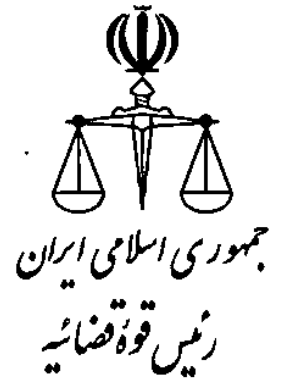


شماره: ۹۰۰۰/۲۴۹۷۵/۱۰۰  
تاریخ: ۱۴۰۰/۴/۱۶  
پست:  
طبقه بندی:



## آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری

در اجرای سیاست های کلی امنیت قضایی مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ با اصلاحات بعدی، و بنا به پیشنهاد کانون وکلای دادگستری "آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری" به شرح مواد آتی است:

### بخش اول: کلیات:

ماده ۱- اختصارات و عبارات زیر در این آیین نامه در معانی زیر به کار می رود:

۱- کانون: کانون وکلای دادگستری؛

۲- لایحه استقلال: لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ با اصلاحات بعدی؛

۳- قانون کیفیت اخذ پروانه: قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶؛

۴- دادگاه عالی: دادگاه عالی انتظامی قضات؛

۵- دادگاه انتظامی: دادگاه انتظامی کانون وکلا؛

۶- دادرسی انتظامی: دادرسی انتظامی کانون وکلا؛

۷- هیات نظارت: هیات نظارت بر انتخابات هیات مدیره





ماده ۲- کانون، موسسه خصوصی حرفه‌ای عهده دار خدمت عمومی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است که به منظور ساماندهی امور وکلای دادگستری عضو کانون در هر استان، تشکیل می‌شود و متشکل از وکلای دارای پروانه فعالیت در همان استان است.

ماده ۳- وکیل دادگستری با رعایت قوانین و مقررات این آیین نامه، با ارائه وکالتنامه، مجاز به وکالت و انجام سایر امور قابل توکیل در مراجع قضایی، شبه قضایی، نهادهای داوری و مراجع دولتی و غیر دولتی است. همچنین، وکیل حق ارائه مشاوره حقوقی به اشخاص را دارد.

ماده ۴- هر شخص حق دارد برای اقامه دعوی و دفاع رأیاً اقدام یا از وکیل استفاده کند و از بدو تا ختم فرآیند دادرسی در کلیه مراجع قضایی، شبه قضایی و نهادهای داوری، از کمک و مشاوره وکیل برخوردار شود.

ماده ۵- کلیه مراجع قضایی با رعایت قانون مکلف به پذیرش وکیل هستند. سلب حق دسترسی به وکیل یا تحمیل وکیل یا تحدید حق آزادی انتخاب وکیل، به کلی ممنوع است.

ماده ۶- وکیل در مقام دفاع از احترامات و تأمینات شغل قضاء برخوردار است. کلیه مقامات قضایی، کارکنان اداری و ضابطان، در برخورد با وکلای دادگستری موظفند ضمن حفظ کرامت آنان، بر مبنای اصول و موازین اخلاقی، شرعی، قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند.

ماده ۷- وکیل در مقام دفاع، استقلال دارد و باید بتواند به صورت حرفه‌ای و آزادانه از موکل خود دفاع کند و هیچ مرجعی نمی‌تواند این استقلال را نقض نماید.

ماده ۸- وکیل حق دارد با رعایت مقررات قانونی، به اسناد و مدارکی که برای دفاع از موکل لازم است، دسترسی داشته باشد.

ماده ۹- روابط کاری وکیل با موکل و مشاوره وی به موکل خود در محدوده ارتباط حرفه‌ای آنها محرمانه است، به جز در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.





ماده ۱۰- بهره مندی وکلای از برنامه های آموزشی از جمله آموزش های مربوط به اصول حرفه ای و کالت و دانش و مهارت های عمومی مرتبط با آن، حق آنهاست و کانون ضمن برنامه ریزی تدابیر لازم را در این زمینه اتخاذ خواهد کرد.

#### بخش دوم: انتخاب هیات مدیره:

ماده ۱۱- اعضای هیات مدیره از طریق انتخابات تعیین خواهند شد. جهت نظارت بر انتخابات هیات مدیره، هیات نظارت با عضویت رییس کانون به عنوان رییس هیات نظارت و ۴ عضو اصلی و دو عضو علی البدل تشکیل می شود. هیات مدیره کانون، پنج ماه پیش از پایان هر دوره، اعضای اصلی و علی البدل را با رأی مخفی از بین وکلای پایه یک دارای حداقل چهار سال سن و ده سال سابقه وکالت که حق حضور در هیات عمومی را داشته و خارج از هیات مدیره فعلی بوده و داوطلب عضویت در هیات مدیره آن دوره نباشند، انتخاب می کند. در صورت عدم حضور یا عذر هریک از اعضای اصلی عضو علی البدل جایگزین آن خواهد شد.

تبصره ۱- در صورتی که رییس کانون داوطلب عضویت در هیات مدیره بعد باشد، رییس هیات نظارت را نیز هیات مدیره با لحاظ شرایط فوق تعیین خواهد کرد.

تبصره ۲- در این ماده و همچنین در هر موردی که در این آیین نامه احراز سمت یا انجام اقدامی منوط به سابقه وکالت باشد، سابقه قضایی به عنوان سابقه وکالت پایه یک محاسبه می شود، مگر اینکه در قانون به نحو دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۲- صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارند، ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیات نظارت، از طرف کانون به هیات مزبور داده می شود. هیات نظارت حداکثر یک هفته پس از انتخاب شدن، تشکیل جلسه می دهد و اطلاعیه ثبت نام از داوطلبان عضویت در هیات مدیره را در پایگاه اطلاع رسانی کانون و عنداللزوم با استفاده از





سایر روش‌های اطلاع‌رسانی منتشر می‌کند و داوطلبان مقیم استان مقر کانون ظرف دو هفته بعد از درج اطلاعیه، در محل تعیین شده توسط هیأت نظارت ثبت‌نام می‌کنند.

ماده ۱۳- هیأت نظارت ظرف ده روز پس از اتمام مهلت ثبت‌نام، وجود شرایط قانونی موضوع مواد ۲ و ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه در داوطلبان را بررسی و اسامی واجدان شرایط را به همراه کلیه مستندات به دادگاه عالی ارسال می‌کند. در مورد داوطلبانی که وجود شرایط قانونی در مورد آنان احراز نگردیده است، علت عدم احراز شرایط به آنان ابلاغ می‌شود. افراد اخیر می‌توانند ظرف پنج‌روز پس از ابلاغ، از تصمیم هیأت نظارت به دادگاه عالی شکایت کنند. شعبه رسیدگی کننده، در صورت نقض تصمیم هیأت نظارت، هم‌زمان با سایر داوطلبان در مورد صلاحیت این عده نیز اعلام نظر خواهد کرد.

ماده ۱۴- دادگاه عالی حداکثر ظرف مهلت دو ماه از زمان دریافت اسامی داوطلبان از هیأت نظارت، در مورد صلاحیت داوطلبان اظهار نظر می‌نماید. چنانچه از نظر دادگاه عالی، صلاحیت داوطلب مورد تردید باشد، عندالاجتضاء وی را دعوت و پس از استماع دفاعیات او در جلسه حضوری، بر اساس قوانین و مقررات اتخاذ تصمیم می‌کند. عدم اعلام نظر دادگاه عالی ظرف مدت مقرر، به منزله تأیید داوطلبانی است که از سوی هیأت نظارت واجد شرایط اعلام شده‌اند. در صورتی که پس از مهلت دو ماهه یا پس از اعلام نظر دادگاه عالی اطلاعات، مدارک و یا مستندات جدیدی به دست آید که در تصمیم قبلی این دادگاه مؤثر باشد، دادگاه مذکور تا پیش از شروع برگزاری انتخابات می‌تواند بر اساس مدارک و مستندات جدیدالتحصیل در مورد رد یا تأیید صلاحیت داوطلبان اظهار نظر کند.

تبصره- دادگاه عالی در مقام رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، سوابق آنان را از مراجع ذی‌ربط از قبیل وزارت اطلاعات، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه، اداره کل سجل کیفری و نیز دادرسی انتظامی قضات در مورد دارندگان پایه قضایی، استعلام می‌کند. بدیهی است عدم ارسال پاسخ از





سوی مراجع مذکور در مهلت تعیین شده توسط دادگاه عالی، مانع از تصمیم گیری دادگاه مذکور نیست.

ماده ۱۵- هیأت نظارت ظرف پنج روز از تاریخ دریافت اسامی واجدان شرایط از دادگاه عالی، زمان و مکان تشکیل هیأت عمومی برای انتخاب هیأت مدیره را تعیین و در پایگاه اطلاع رسانی کانون و عنداللزوم استفاده از سایر روش های اطلاع رسانی، منتشر می کند. فاصله بین آگهی مندرج در پایگاه اطلاع رسانی کانون و روز جلسه نباید کمتر از بیست روز باشد.

ماده ۱۶- چنانچه روز جلسه مصادف با تعطیلی باشد، ضمن اطلاع رسانی، جلسه روز بعد تشکیل می شود. در صورتی که به پیشنهاد هیأت نظارت و تایید کمیسیون موضوع تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه، برگزاری انتخابات در مهلت مقرر به دلیل شرایط خاص مقدور نباشد، تا رفع حالت اضطرار، هیأت مدیره به فعالیت خود ادامه می دهد و صرفاً در مورد مسایل ضروری کانون تصمیم گیری می کند. بعد از مرتفع شدن حالت اضطرار، حداکثر ظرف یک هفته فرآیند برگزاری انتخابات ادامه می یابد.

ماده ۱۷- در زمان و مکان مقرر، جلسه هیأت عمومی با حضور هر عده که حاضر باشند، تشکیل و بدو هیأت نظارت صندوق آخذ آراء را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضران ارائه داده، لاک و مهر می کند و سپس رأی گیری شروع می شود. از بیست و چهار ساعت قبل از شروع جلسه هیأت عمومی، هرگونه تبلیغ و به هر طریق در موافقت یا مخالفت اشخاص در مکان رأی گیری و خارج از آن به کلی ممنوع است.

تبصره- در صورت فراهم بودن امکانات فنی، به تشخیص هیأت نظارت، برگزاری تمام یا بخشی از انتخابات از جمله تشکیل جلسه هیأت عمومی و رأی گیری و شمارش آراء، به صورت الکترونیکی و یا برخط مجاز است.





ماده ۱۸- انتخاب جمعی و مخفی است و رأی باید روی اوراقی که به مهر هیأت نظارت رسیده و در آن به تعداد اعضای اصلی ردیف شماره‌دار پیش بینی شده، نوشته شود. هر رأی دهنده، پس از ارائه پروانه وکالت خود و امضاء در فهرست اسامی واجدین شرایط، رأی خود را در صندوق آرا می‌اندازد.

ماده ۱۹- حق رأی کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رأی ندهند، ساقط است.

ماده ۲۰- پس از اتمام اخذ آراء، اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آراء می‌شود و در غیر این صورت، هیأت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌نماید و بر هر ورقه که قرائت شده مهر «قرائت شد» زده و ضبط خواهد شد.

ماده ۲۱- آرائی که دارای نشان یا امضاء باشد، باطل است و اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زائد بر عده‌ای که باید انتخاب شوند، قرائت نخواهد شد.

ماده ۲۲- آراء قرائت شده پس از قرائت، در صندوق ضبط و از طرف هیأت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضای مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت، محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج مورد رسیدگی واقع شود و بعد امحاء خواهد شد.

ماده ۲۳- از بین منتخبان کسانی که دارای رأی بیشتر هستند، عضو اصلی و کسانی که بعد از آن از بین بقیه رأی بیشتری دارند، عضو علی‌البدل هستند.

تبصره- در صورت تساوی آراء، هیأت نظارت عضو اصلی یا علی‌البدل را به قید قرعه انتخاب می‌کند.

ماده ۲۴- مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز پس از اعلام نتایج و انتشار اسامی و تعداد آرای منتخبان در پایگاه اطلاع‌رسانی کانون است. مرجع رسیدگی به شکایات هیأت نظارت است.





هیأت نظارت باید ظرف سه روز به شکایات واصله رسیدگی و نتیجه را در پایگاه اطلاع‌رسانی کانون اعلام نماید.

ماده ۲۵- هر کس که به تصمیم هیأت نظارت معترض است، می‌تواند به وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی شکایت نماید. مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیأت نظارت است و دادگاه مزبور ظرف ده روز از تاریخ وصول شکایت، رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.

ماده ۲۶- پس از اتمام انتخابات و تعیین نتیجه قطعی، رییس هیأت نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آنان را برای تشکیل هیأت مدیره قبل از تاریخ هفتم اسفند ماه دعوت می‌نماید و پس از آن هیأت نظارت منحل می‌شود.

ماده ۲۷- در صورت ابطال انتخابات، تجدید آن بر طبق مقررات فوق خواهد بود؛ در این صورت، تا تعیین هیأت مدیره جدید، هیأت مدیره و هیأت نظارت سابق به جز کسانی که به تشخیص دادگاه عالی تخلف آنان در ابطال انتخابات موثر بوده است، انجام وظیفه خواهد نمود. هیأت نظارت باید حداکثر ظرف یک هفته پس از ابلاغ ابطال انتخابات، اقدامات قانونی را جهت برگزاری انتخابات مجدد انجام دهد. چنانچه دلیل ابطال انتخابات بر اساس حکم دادگاه عالی، تخلف هیأت نظارت باشد، هیأت مدیره ظرف یک هفته هیأت نظارت جدید را بر اساس مقررات این آیین نامه انتخاب می‌کند. در هر حال کلیه کسانی که تخلف آنها در ابطال انتخابات موثر بوده است، به موجب مقررات این آیین نامه مورد تعقیب انتظامی قرار می‌گیرند.

**بخش سوم: انتخابات هیأت ریسه کانون و وظایف آن؛**

ماده ۲۸- جلسه هیأت مدیره منتخب برای انتخاب هیأت ریسه با حضور اعضای اصلی و به ریاست مسن‌ترین عضو تشکیل می‌شود و جوان‌ترین عضو نیز دبیر (منشی) جلسه خواهد بود. در صورت





غیبت یک یا چند نفر از اعضای اصلی در نخستین جلسه، ظرف حداکثر پنج روز، جلسه بعد با حضور اکثریت اعضای اصلی تشکیل خواهد شد.

ماده ۲۹- هیأت مدیره در کانون مرکز (تهران)، از میان خود یک نفر رییس، دو نفر نایب رییس، دو منشی و دو بازرس و در دیگر کانون ها یک رییس، یک نایب رییس، یک منشی و یک بازرس با رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌کند.

ماده ۳۰- انتخاب هیأت ریسه، به ترتیب رییس، نایب رییس، بازرس و منشی، به طور متوالی، فردی و مخفی به عمل می‌آید. رییس هیأت مدیره در کانون مرکز (تهران) باید لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانون ها دارای چهار رأی باشد. اگر در دفعه اول اکثریت مذکور به دست نیامد، در دفعه دوم، که می‌تواند در همان جلسه باشد، اکثریت نسبی ملاک خواهد بود.

تبصره- در صورت تساوی آراء در نوبت دوم، فردی انتخاب می‌شود که در هیأت عمومی رأی بیشتری را به دست آورده باشد.

ماده ۳۱- وظایف و اختیارات رییس کانون عبارت است از:

۱- بیان مواضع و نمایندگی قانونی کانون در مراجع رسمی؛

۲- مسئولیت انجام امور، فعالیت‌ها، اعمال اداری، مالی و حقوقی کانون؛

۳- حل اختلاف وکلا و کارآموزان با یکدیگر در امور وکالتی، نظارت بر اعمال و رفتار آنان، تذکر کتبی خطا یا انحرافات شغلی آنان و ارجاع تعقیب انتظامی وکیل متخلف به دادسرای انتظامی؛

۴- ارجاع گزارش‌ها و شکایت‌ها به مراجع انتظامی کانون؛

۵- دعوت هیأت عمومی وکلا، دعوت هیأت مدیره، ریاست جلسه، حضور در تمامی جلسات هیأت مدیره، تعیین دستور جلسه، اجرای تصمیمات هیأت مدیره و گزارش فعالیت‌ها و اقدامات به هیأت مدیره؛







۶- ریاست مستقیم بر دواير داخلی و کارکنان کانون و عزل و نصب، استخدام و اخراج آنان مطابق مقررات؛

۷- سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون یا این آیین نامه بر عهده رییس کانون گذاشته شده یا می شود.

تبصره ۱- سقف اختیارات مالی رییس کانون، در ابتدای هر سال در چارچوب قوانین و مقررات مربوط به تصویب هیات مدیره می رسد و در هر صورت از معادل نصف حد نصاب مقرر در معاملات متوسط موضوع قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۳/۱۱ و اصلاحات بعدی آن، بیشتر نخواهد بود. در مورد معاملات بیشتر از نصاب مذکور، هر معامله باید به تصویب هیات مدیره برسد. هیات مدیره کانون در پایان هر سال گزارش درآمد و هزینه ها را به تفصیل از طریق پایگاه اطلاع رسانی کانون منتشر می کند.

تبصره ۲- تقسیم کار و وظایف بین اعضای هیات ریسه، در آیین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد.

ماده ۳۲- در غیاب یا معذوریت رییس کانون، نایب رییس، اداره جلسات را به عهده داشته و همچنین هر مسئولیتی را که از سوی رییس کانون ارجاع شود، می پذیرد. چنانچه به هر دلیلی جایگاه رییس کانون بلا تصدی باقی بماند، تا تعیین رییس جدید که حداکثر ظرف یک ماه باید انجام شود، نایب رییس، وظایف و اختیارات رییس را به عهده خواهد داشت.

ماده ۳۳- وکلای نمی توانند به طور هم زمان دو سمت از سمت های زیر را داشته باشند:

عضویت اصلی در هیات مدیره، دادسرا و دادگاه انتظامی، کمیسیون های کارآموزی و ترفیعات و اداره معاضدت.





ماده ۳۴- جلسات هیأت مدیره با حضور اعضای اصلی تشکیل می‌شود. در کانون مرکز (تهران) حضور هشت عضو اصلی و در سایر کانون ها سه عضو اصلی برای رسمیت الزامی است. مصوبات هیأت مدیره در کانون مرکز (تهران) با اکثریت مطلق آرای اعضای اصلی حاضر در جلسه و در سایر کانون‌ها با حداقل سه رأی اعضای اصلی معتبر است. در صورت تساوی آراء، رأی گروهی که مشتمل بر رأی رییس جلسه باشد، معتبر خواهد بود.

ماده ۳۵- در طول دوره فعالیت هیأت مدیره، تجدید انتخاب اعضای هیأت رییس (فردی یا جمعی) هر چند نوبت جایز است. تصمیم به تجدید انتخاب، نیاز به رأی دو سوم اعضای اصلی هیأت مدیره دارد. انتخابات میان دوره مطابق نصاب ماده ۳۰ این آیین نامه انجام می‌شود.

ماده ۳۶- در صورتی که یکی از اعضای اصلی هیأت مدیره، بدون عذر موجه پنج جلسه متوالی یا ده جلسه متناوب در جلسات عادی هیأت مدیره غیبت کند یا در صورت فوت، استعفاء، انتقال، بازنشستگی و نظایر آن، یکی از اعضای علی‌البدل که رأی او بیشتر است، به‌عنوان عضو اصلی جایگزین می‌شود. عضو جایگزین مشمول ممنوعیت انتخاب بیش از دو دوره متوالی است.

تبصره ۱- منظور از عذر موجه در این ماده و سایر موارد مقرر در این آیین نامه مصادیق مذکور در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹ است.

تبصره ۲- تشخیص معاذیر و موانع مقرر در این ماده بر عهده هیأت مدیره است.

#### بخش چهارم: آزمون ورودی، پروانه وکالت و کارآموزی:

ماده ۳۷- پذیرش کارآموز وکالت با رعایت مقررات قانونی و با احراز صلاحیت‌های لازم به صورت رقابتی و سالانه مطابق ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه صورت می‌گیرد؛ پذیرش برای هر کانون با توجه به شاخص‌هایی از قبیل جمعیت استان، سرانه پرونده، تشکیلات قضایی، تعداد پرونده‌های دارای وکیل و تعداد وکلا و کارآموزان آن استان تعیین می‌شود.





ماده ۳۸- آزمون ورودی در هر سال به صورت هم‌زمان در کلیه کانون‌های سراسر کشور از طریق سازمان سنجش و آموزش کشور برگزار می‌شود. چگونگی برگزاری آزمون ورودی، شرایط داوطلبان و مدارک مورد نیاز، زمان و مدت ثبت نام در آگهی مربوط که از طریق پایگاه اطلاع رسانی کانون‌ها منتشر می‌شود، به اطلاع متقاضیان می‌رسد. در آگهی آزمون، شرایط و موانع مقرر در قانون از جمله شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه و موانع مذکور ماده ۱۰ لایحه استقلال، باید تصریح شود. چنانچه در هر مرحله پس از قبولی فقدان هر یک از شرایط مقرر احراز شود، قبولی متقاضی کان لم یکن تلقی شده و در صورت صدور پروانه کارآموزی، به حکم دادگاه انتظامی پروانه وی ابطال می‌شود.

تبصره- داوطلب کارآموزی در موقع ثبت‌نام در آزمون باید بیست و چهار سال کامل شمسی داشته باشد.

ماده ۳۹- متقاضیان باید کانون مورد نظر خود را در آزمون تعیین کنند و در صورت پذیرش، بر اساس نمره اکتسابی صرفاً در یکی از شهرهای استان همان کانون، کارآموزی کرده سپس به وکالت مشغول شوند.

ماده ۴۰- منابع سوالات آزمون، دروس حقوقی در حد مقطع کارشناسی و شامل: حقوق اساسی، حقوق تجارت، حقوق کیفری، حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری، اصول و مبانی استنباط و متون فقهی در حد تحریرالوسیله امام خمینی (ره) است.

ماده ۴۱- حداقل نمره قبولی در آزمون، شصت درصد از کل نمره آزمون است و پذیرش افراد بدون کسب نمره لازم، ممنوع است.

ماده ۴۲- پذیرش داوطلبان مشمول ماده ۵۹ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران و ماده ۳ قانون کیفیت اخذ پروانه، منوط به کسب حداقل هشتاد درصد از حداقل نمره قبولی در کانون محل تقاضا است. این متقاضیان علاوه بر کسب نصاب نمره قبولی مذکور، باید شرایط مقرر در ماده ۲



قانون کیفیت اخذ پروانه را دارا باشند. استفاده از سهمیه ایثارگران مانع از پذیرش ایثارگرانی نیست که نمره قبولی سهمیه آزاد را کسب کرده‌اند.

ماده ۴۳- قبول شدگان در آزمون و سایر متقاضیان پروانه وکالت و کارآموزی، باید فرم تقاضانامه را با مفاد زیر، تکمیل و ارائه کنند:

۱- مشخصات فردی متقاضی؛

۲- نشانی محل اقامت؛

۳- سوابق شغلی قبلی و حین تقاضا؛

۴- تصریح به نداشتن پیشینه مؤثر و غیر مؤثر کیفری و محکومیت انتظامی و در صورت داشتن چنین سابقه‌ای، ذکر نوع جرم و تخلف ارتكابی، حکمی که صادر شده، مجازاتی که تعیین شده و وضعیت اجرای آن؛

۵- تصریح به وجود یا فقدان هر نوع پرونده مفتوح کیفری در مراجع قضایی؛

۶- تصریح به سلامت روان؛

۷- تصریح به عدم اعتیاد به مواد مخدر، روانگردان و مسکر؛

۸- تصریح به عدم اشتغال در شغل دولتی و سایر ارگان‌ها و نهادهای مذکور در بند ۲ ماده ۱۰ لایحه استقلال و عدم شمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ با الحاقات بعدی.

ماده ۴۴- تقاضانامه باید دارای ضmannم زیر باشد:

۱- تصویر مصدق کلیه صفحات شناسنامه و کارت ملی؛





۲- تصویر مصدق مدرک تحصیلی موضوع ماده ۴۶ این آیین نامه، تاریخ فارغ التحصیلی باید قبل از تاریخ ثبت نام آزمون ورودی باشد؛

۳- تصویر مصدق کارت پایان خدمت یا معافیت دائم از خدمت وظیفه عمومی؛ تاریخ پایان خدمت یا معافیت باید قبل از تاریخ ثبت نام آزمون ورودی باشد؛

۴- گواهی سلامت روان به تایید پزشکی قانونی یا یکی از مراکز مشاوره مورد تایید پزشکی قانونی؛

۵- چهار قطعه عکس.

ماده ۴۵- متقاضیان قبول شده در آزمون، باید در موعدی که از سوی کانون تعیین و اعلام می شود، فرم تقاضانامه را تکمیل و ضمائم آن را ارائه دهند. قبولی افرادی که ظرف سه ماه از انقضای موعد مقرر، بدون عذر موجه، نسبت به تکمیل فرم تقاضانامه، ارائه مدارک و رفع نقص از پرونده اقدام نکنند، کان لم یکن خواهد شد. برای جایگزینی، متقاضیان به ترتیب رتبه های بعدی پذیرش می شوند.

تبصره- تشخیص و تطبیق عذر موجه با کانون است.

ماده ۴۶- پروانه کارآموزی و وکالت برای افرادی صادر می شود که علاوه بر دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی در یکی از رشته های حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی و یا سطح دو و بالاتر از دروس حوزوی، دارای شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه و فاقد موانع مقرر در ۱۰ لایحه استقلال بوده و حسب مورد در آزمون ورودی پذیرفته شوند یا به موجب قانون از شرکت در آزمون یا کارآموزی یا هر دو معاف باشند.

ماده ۴۷- کانون به منظور احراز شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه از مراجع ذیصلاح به شرح زیر استعلام می کند:





۱- در مورد بند (ج) ماده مذکور از اداره کل سجل کیفری و عفو و بخشودگی قوه قضاییه؛

۲- در مورد بند (ز) ماده مذکور از پزشکی قانونی؛

۳- در مورد شرایط مقرر در بند های (د)، (ه)، (و) و (و) ماده مزبور از مراجع ذی صلاح از قبیل وزارت اطلاعات؛

۴- در مورد دارندگان پایه قضایی و کارکنان اداری قوه قضاییه حسب مورد از دادسرای انتظامی قضات، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه، امور اداری و استخدامی قضات و کارکنان اداری و دادگستری کل استان آخرین محل خدمت آنان؛

۵- در مورد مشمولین بند (د) ماده ۸ لایحه استقلال از آخرین محل خدمت متقاضی.

تبصره- در مورد دارندگان پایه قضایی متقاضی وکالت، چنانچه ظرف شش ماه از خاتمه خدمت قضایی، تقاضای پروانه وکالت نمایند، استعلام موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۷ این آیین نامه به عمل نخواهد آمد و سایر استعلام های موضوع ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه، صرفاً از دادسرای انتظامی قضات صورت می گیرد.

ماده ۴۸- احراز شرایط موضوع بند های الف و ب ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه، توسط اعضای کمیسیون متشکل از رییس کانون، رییس کمیسیون کارآموزی کانون، دادستان انتظامی کانون، رییس کل دادگستری استان یا نماینده وی و رییس دادگاه انقلاب شهرستان مرکز استان یا نماینده او به عمل می آید. کمیسیون با تشکیل جلسات منظم وضعیت داوطلبان را بررسی می کند و حسب مورد با انجام مصاحبه یا دستور تحقیق محلی یا استعلام از مراجع ذی صلاح و سایر روش های قانونی و شرعی، در مورد احراز شرایط مذکور اظهار نظر می کند. تصمیم کمیسیون از طریق کانون به داوطلب ابلاغ می شود.





ماده ۴۹- مراجع مذکور در ماده ۴۷ این آیین نامه مکلفند ظرف دو ماه به استعلامها پاسخ دهند. در صورت عدم وصول پاسخ، صدور پروانه وکالت و کارآموزی وکالت، با لحاظ شرایط دیگر بلامانع است. در این موارد، چنانچه پاسخ استعلامها در هر مرحله واصل و مشعر بر فقدان یکی از شرایط مذکور در این آیین نامه باشد، پروانه وکالت یا کارآموزی ظرف حداکثر یک ماه به حکم دادگاه انتظامی در صورت احراز باطل می‌شود.

ماده ۵۰- قضات به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت به هر نحو ندارند. متخلف به ترتیب تکرار به مجازات‌های انتظامی درجه ۲ تا ۶ محکوم می‌شود.

ماده ۵۱- تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی، با رعایت مقررات این آیین نامه، در صورتی که نقصی نداشته باشد و در صورتی که دارای نقص باشد، پس از رفع نقص، از طرف دفتر کانون، به نظر رییس کانون می‌رسد و رییس کانون رسیدگی به هر یک از تقاضاها را به یکی از اعضاء کانون و یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان ارجاع می‌نماید که ظرف یک هفته رسیدگی کرده و گزارش خود را به رییس کانون تسلیم نماید. گزارش مزبور در هیأت مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر می‌شود. اگر دادن پروانه کارآموزی به متقاضی تصویب شود، به کمیسیون کارآموزی ارجاع می‌شود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی متقاضی می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیأت مدیره به دادگاه عالی شکایت نماید. دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود شکایت، تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد که پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود. حکم دادگاه عالی قطعی است و اجرای آن به عهده ریاست کانون بوده و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.

ماده ۵۲- در مورد متقاضیانی که مطابق قانون از شرکت در آزمون ورودی معاف هستند، تعیین محل اشتغال به وکالت در حوزه های قضایی هر استان به تصویب کمیسیون موضوع تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه می‌رسد. این کمیسیون بر اساس شاخص‌هایی از قبیل نیاز حوزه





قضایی، امتیازات داوطلب، مدرک تحصیلی و سوابق وی اتخاذ تصمیم می کند. متقاضیان موضوع این ماده، تقاضای خود را به کانون تسلیم می کنند. کانون سوابق آنان را از مراجع موضوع ماده ۴۷ این آیین نامه استعلام می کند و پس از وصول پاسخ استعلام و تصویب کمیسیون موضوع تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه، حسب مورد پروانه وکالت یا کارآموزی آنان صادر می شود.

ماده ۵۳- کمیسیون کارآموزی از یک یا چند شعبه و هر شعبه از پنج وکیل منتخب هیأت مدیره که دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره کانون باشند، تشکیل می شود. جلسات هر شعبه با حضور حداقل سه عضو رسمیت می یابد و تصمیمات آن نیز با حداقل سه رای موافق معتبر خواهد بود. رئیس کمیسیون کارآموزی توسط هیأت مدیره انتخاب می شود و در صورت تعدد شعب، ریاست همه شعب را به عهده دارد.

ماده ۵۴- کارآموز در دوره کارآموزی، تکالیف زیر را در سه مرحله تحت نظر کانون و وکیل سرپرست، انجام می دهد:

۱- مرحله اول: شرکت در جلسات سخنرانی علمی و کارگاه های آموزشی حوزه وکالت و کارآموزی به مدت دو ماه و حداقل پنجاه ساعت؛ در پایان این مرحله، از کارآموز آزمون کتبی به عمل آمده و پس از قبولی، بلافاصله مرحله دوم آغاز می شود. در صورت عدم شرکت در آزمون یا عدم قبولی، این آزمون تا دو مرتبه دیگر قابل تکرار است. در صورت عدم شرکت یا عدم قبولی کارآموز در نوبت سوم، با اعلام کمیسیون کارآموزی و تأیید هیأت مدیره، پروانه کارآموزی ابطال خواهد شد. این تصمیم قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

۲- مرحله دوم: کارآموز مدت شش ماه هر روز (به غیر از ایام تعطیل) تمام وقت اداری در مراجع قضایی حضور می یابد و روزانه از یک پرونده دارای وقت رسیدگی یا در حال رسیدگی، گزارش تهیه می نماید. کارآموز در این مدت باید در همه انواع مراجع قضایی اعم از شعب دایراری و





بازپرسی، دادگاه های حقوقی، خانواده، کیفری یک و دو، انقلاب، تجدید نظر، دوائر اجرای احکام شرکت نموده و حضور داشته باشد. در صورت عدم تأیید کمیسیون کارآموزی، این دوره تا دو مرتبه دیگر و هر بار حداکثر به مدت چهار ماه قابل تمدید است. در پایان مرتبه سوم و عدم تأیید در کمیسیون کارآموزی، با اعلام کمیسیون و تأیید هیأت مدیره، پروانه کارآموزی ابطال می‌شود. این تصمیم قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

تبصره- تهیه امکانات و برنامه اجرایی بند فوق بر عهده کانون است که با هماهنگی دادگستری کل استان اقدام خواهد کرد.

۳- مرحله سوم: مدت این مرحله هفت ماه است و کارآموز باید تکالیف زیر را انجام دهد:

الف- با معرفی کانون نزد وکیل سرپرست به آموزش و تمرین عملی امور وکالت پردازد و گواهی ماهانه وکیل سرپرست را ارائه دهد؛

ب- در حداقل پنجاه ساعت جلسات سخنرانی علمی و کارگاه آموزشی حضور یابد؛

پ- امور محوله از سوی کانون را انجام دهد؛

ت- گواهی مربوط به انجام تکالیف را ارائه داده و پس از تأیید در کمیسیون کارآموزی، در اختیار کتبی و شفاهی شرکت کند.

تبصره ۱- در صورت عدم انجام تکالیف مذکور یا عدم شرکت در اختبار کتبی و شفاهی یا عدم قبولی، مرحله سوم به ترتیب مقرر تجدید می‌شود. چنانچه کمیسیون کارآموزی مجدداً انجام تکالیف را تأیید نکند یا عذر غیبت از اختبار را موجه نداند و یا کارآموز در اختبار قبول نشود، پروانه کارآموزی به نحو مندرج در بند ۲ ابطال خواهد شد.

تبصره ۲- کارآموزان در دوره سوم می‌توانند تحت نظر وکیل سرپرست، وکالت حداکثر تا پنج پرونده را در ماه قبول کنند. وکالت کارآموزان در پرونده‌هایی که احکام آنها قابل فرجام است یا



مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور است و یا پذیرش اعاده دادرسی کیفری، منفرداً یا به همراه وکیل سرپرست و سایر وکلا ممنوع است.

تبصره ۳- در مورد کارآموزانی که طبق قانون نصف مدت مقرر کارآموزی می‌کنند، مدت دوره‌های سه گانه فوق به نصف کاهش می‌یابد.

ماده ۵۵- در هر مورد که کارآموز برای شروع دوره اولیه یا مجدد در هر مرحله یا موارد دیگر مکلف به حضور و انجام تکالیف باشد، چنانچه حداکثر تا یک ماه از تاریخ اعلام، دوره مربوط را شروع نکند یا تا یک ماه پس از پایان دوره، خاتمه آن را اعلام و مدارک مربوطه را تحویل ندهد، رفتار وی به منزله عدم انجام تکلیف است، مگر اینکه تأخیر، حداکثر به مدت ۳ ماه با موافقت کمیسیون کارآموزی یا در موارد عذر موجه به تشخیص کمیسیون مذکور بوده یا کانون در شروع دوره تأخیر داشته باشد.

ماده ۵۶- کارآموز پس از طی مرحله دوم ظرف یک هفته پس از اعلام کانون، وکیل سرپرست خود را با شرایط مقرر، از محل کارآموزی انتخاب و موافقت نامه وی را به کانون تسلیم می‌نماید. در غیر اینصورت، رییس کانون وکیل سرپرست را انتخاب و مراتب را برای اجرا ابلاغ می‌کند.

تبصره - در صورتی که در محل کارآموزی؛ وکیل سرپرست واجد شرایط نباشد، از نزدیکترین شهر، وکیل سرپرست معرفی می‌شود.

ماده ۵۷- شرایط و وظایف وکیل سرپرست به شرح زیر است :

الف- شرایط:

۱- حداقل هشت سال سابقه وکالت پایه یک برای شهر تهران و پنج سال برای سایر شهرها و داشتن پروانه تمدید شده؛

۲- نداشتن محکومیت انتظامی درجه چهار و بالاتر؛





۳- نداشتن سوء شهرت؛

۴- داشتن دفتر دایر و متناسب و اشتغال مستمر در محل تعیین شده در پروانه؛

ب- وظایف:

۱- نظارت بر رفتار و انجام تکالیف کارآموزی و شنون و اخلاق حرفه ای وکالت؛

۲- آموزش و راهنمایی کارآموز در پرونده‌های وکالتی وی و نظارت بر آنها؛

۳- پذیرش کارآموزان و حداکثر پنج کارآموز به صورت همزمان؛

تبصره- در محل هایی که وکیل واجد شرایط به تعداد کافی نباشد، با موافقت رییس کانون، پذیرش بیش از پنج کارآموز همزمان مجاز است.

۴- پذیرش کارآموز در دفتر، حداقل دو روز در هفته و فراهم کردن موجبات یادگیری مذاکره با موکل و مشاوره؛

۵- گواهی و گزارش نحوه انجام تکالیف مقرر به کمیسیون کارآموزی.

ماده ۵۸-عدم رعایت مواد ۵۶ و ۵۷ این آیین نامه از سوی وکیل سرپرست، تخلف انتظامی محسوب و موجب مجازات درجه دو و در صورت تکرار تابع مقررات انتظامی است.

ماده ۵۹- هر کارآموز دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود.

این کارنامه باید در مورد حضور در جلسات دادگاه و سایر مراجع قضایی به گواهی قضات، در

مورد کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام می‌شود و حسن اخلاق و رفتار در دوره کارآموزی،

به گواهی وکیل سرپرست، در مورد انجام کارهایی که از طرف کانون ارجاع می‌شود، به گواهی

مسئول واحد ارجاع کننده و در خصوص حضور در کلاس‌های آموزشی و سخنرانی علمی به

گواهی کمیسیون کارآموزی برسد.





ماده ۶۰- در کلیه مواردی که تصمیم هیات مدیره یا دادگاه انتظامی، ابطال پروانه کارآموزی است و همچنین در مورد انصراف کارآموز یا اقدامی که به منزله انصراف است، صدور پروانه مجدد کارآموزی برای کلیه کارآموزان مشمول این آیین‌نامه منوط به شرکت در آزمون ورودی و قبولی در آن و احراز شرایط قانونی است.

ماده ۶۱- پس از انجام تکالیف کارآموزی، با تقاضای کارآموز، کمیسیون کارآموزی مدارک انجام تکالیف را بررسی و در صورت پذیرش، اختبار کتبی و شفاهی برگزار کرده و نتیجه را به رییس کانون گزارش می‌دهد. اعضای اختبار از بین وکلای دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره که در موضوع اختبار دارای تجربه عملی یا تخصص علمی باشند، با معرفی کمیسیون کارآموزی توسط هیأت مدیره انتخاب می‌شوند.

ماده ۶۲- اختبار کتبی و شفاهی شامل دروس حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی، قوانین و مقررات وکالت، حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری، حقوق تجارت و حقوق ثبت و امورحسابی است.

ماده ۶۳- قبولی در اختبار، منوط به کسب نمره ده از بیست در حداقل پنج درس و معدل کل دوازده از بیست است. در معدل گیری نمره هر درس، ضریب اختبار کتبی «سه» و ضریب اختبار شفاهی «یک» است.

ماده ۶۴- در صورتی که کارآموز در اختبار قبول نشود، یک نوبت تجدید دوره خواهد شد. در دوره تجدیدی، مرحله سوم ماده ۵۴ این آیین‌نامه تکرار و در صورت مردود شدن در دومین اختبار، پروانه کارآموزی با اعلام کمیسیون کارآموزی و تأیید هیأت مدیره، ابطال می‌شود. این تصمیم قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

ماده ۶۵- انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است، ولی از کارهایی که کارآموز با رعایت مقررات این آیین‌نامه شخصا قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد، می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید.



ماده ۶۶- به کارآموزانی که در اختبار قبول شده و سوگند یادکنند، پروانه وکالت پایه یک داده می‌شود. مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت به وی داده نشده نام او در فهرست اسامی وکلا درج نمی‌شود و باید در فهرست اسامی کارآموزان کانون قید شود.

ماده ۶۷- کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و رفتار داشته باشند و نمی‌توانند به شغل دیگری که منافی با حیثیت و شئون وکالت است اشتغال ورزند. چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی فقدان تمام یا برخی از شرایط مقرر در قانون در مورد آنها احراز شود، با تأیید رییس کانون و رأی دادگاه انتظامی پروانه کارآموزی آنان ابطال می‌شود.

ماده ۶۸- هر یک از مقامات قضایی از ارتکاب اعمال خلاف اخلاق، حیثیت و شئون وکالت توسط کارآموزان یا فقدان شرایط قانونی در آنها یا ارتکاب تخلف انتظامی توسط آنان مطلع شود، حسب مورد ضمن اطلاع به دادستان یا رییس حوزه قضایی، گزارش امر را جهت رسیدگی به رییس کانون مربوطه ارسال می‌کند.

ماده ۶۹- پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به متقاضی، مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لااقل دو نفر از اعضاء هیأت مدیره به شرح زیر سوگند یاد کند و صورت مجلس قسم و قسم نامه را امضاء نماید:

«در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نائل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده‌ام».





ماده ۷۰- پروانه وکالت پس از صدور گواهی اتمام دوره کارآموزی و موفقیت در آن، ادای سوگند، امضای ذیل سوگندنامه و تعهدنامه به انجام معاضدت قضایی اعطا می‌شود. امضای پروانه وکالت دادگستری بر عهده رییس کانون مربوط است و پس از انجام تحلیف، پروانه به وکیل تحویل می‌شود.

### بخش پنجم: درجه بندی وکلا و ترفیعات:

ماده ۷۱- وکیلی که به حکم دادگاه انتظامی به تنزل پایه محکوم شده است؛ وکیل پایه دو محسوب و حق وکالت در دیوان عالی کشور و دعاوی در صلاحیت دادگاه کیفری یک را ندارد.

ماده ۷۲- با احراز شرایط زیر وکیل پایه دو به پایه یک ترفیع می‌یابد:

۱- اشتغال به وکالت به مدت سه سال در پایه دو، مشروط بر اینکه پروانه همه ساله تمدید اعتبار شده باشد. مدت تعلیق و ممنوعیت از وکالت و تودیع پروانه، جزء مدت مذکور محاسبه نمی‌شود.

۲- نداشتن محکومیت انتظامی درجه چهار و پنج و پرونده انتظامی منجر به تنظیم کیفرخواست.

۳- رعایت ضوابط وکالت، طبق قوانین و مقررات.

۴- ارائه گواهی نداشتن محکومیت مؤثر کیفری در دوره اشتغال به وکالت پایه دو.

تبصره - مدت انتظار ترفیع وکلایی که قبل از ابلاغ این آیین نامه به تنزل پایه وکالت محکوم شده اند، سه سال از تاریخ شروع اجرای حکم است.

ماده ۷۳- در اجرای ماده ۱۱ لایحه استقلال، وکلای متقاضی ترفیع علاوه بر دارا بودن شرایط مقرر قانونی، باید حسن انجام وظیفه وکالتی آنان حسب مورد به گواهی رییس حوزه قضایی و دادستان عمومی و انقلاب شهرستان محل پروانه فعالیت آنها برسد و در صورتی که محل پروانه فعالیت وکیل در مرکز استان باشد، حسن انجام وظیفه وکالتی باید به تأیید رییس کل دادگستری



استان و دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مربوط برسد. مقامات قضایی یاد شده با اهتمام کافی و پس از استعلام از مراجع قضایی تابعه و احراز موضوع، حسن انجام وظیفه وکیل را گواهی می‌کنند.

ماده ۷۴- درخواست ترفیع با رعایت شرایط مقرر در ماده ۷۲ این آیین نامه به دفتر کانون تسلیم و جهت بررسی به کمیسیون ترفیع ارجاع می‌شود. گواهی حسن انجام وظیفه در مراجع قضایی حسب مورد از مقامات قضایی مذکور در ماده ۷۳ این آیین نامه، گواهی حسن انجام کارهای معاضدت قضایی یا عدم ارجاع امر معاضدت قضایی از شعبه معاضدت قضایی کانون و گواهی رعایت مقررات و نظامات و سوابق محکومیت انتظامی یا پرونده های انتظامی از دادسرای انتظامی باید ضمیمه تقاضا باشد. کمیسیون ترفیع حداکثر ظرف یک ماه پس از ارجاع درخواست را بررسی و با توجه به شرایط مقرر، نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اعلام می‌کند. رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در هیأت مدیره است.

ماده ۷۵- کمیسیون ترفیع از پنج وکیل منتخب هیأت مدیره که دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره باشند، تشکیل می‌شود.

#### بخش ششم: تعهدات و وظایف وکلا:

ماده ۷۶- اهم وظایف و تعهدات هر وکیل به شرح زیر است:

۱- اهتمام به صلح و سازش پیش از طرح دعوا در مراجع قضایی و در تمام مراحل رسیدگی؛

۲- تنظیم وکالتنامه و قرارداد مالی با موکل به نحو دقیق، کامل و با درج تاریخ و مبلغ دقیق حق الوکاله مطابق با ماده ۱۹ لایحه استقلال و آیین نامه تعرفه حق الوکاله و حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و تسلیم نسخه ای از وکالتنامه و قرارداد مالی به موکل در قبال اخذ رسید





و نیز ثبت قرارداد مالی در سامانه ثبت قرارداد مالی وکلا و تسلیم نسخه‌ای از وکالتنامه و قرارداد مالی به مرجع قضایی مربوط؛

۳- دادن رسید به موکل در قبال دریافت اسناد و وجوه دریافتی و استفاده از پایانه فروشگاهی؛

۴- انجام اقدامات زیر پس از قبول وکالت:

الف- ارائه مشاوره حقوقی به موکل؛

ب- تنظیم قرارداد، دادخواست، شکوائیه و لایحه؛

پ- داوری و میانجیگری با رعایت قوانین و مقررات؛

ت- همکاری با موکل در مراجع قضایی، دولتی و غیردولتی؛

ث- انجام وظیفه وکالتی در مدت متعارف و نیز پیگیری امور موکل، بر اساس ضوابط قانونی و دفاع از حقوق موکل؛

۵- دایر کردن دفتر در شهر محل اشتغال که از سوی کانون متبوع بر اساس مقررات این آیین نامه تعیین می شود، با حفظ شئون وکالت؛ وکلا ضامن امنیت اخلاقی دفتر کار خود هستند و نسبت به رعایت موازین شرعی، پوشش مناسب و رعایت عفاف و تقوی در دفتر کار مسئول‌اند. وکیل باید بر اعمال کارکنان دفتر وکالت نظارت کند و در صورت عدم نظارت کافی نسبت به خسارات ناشی از تخلفاتی که کارکنان دفتر وکالت در ارتباط با وظایف محوله مرتکب می شوند، مسئولیت مدنی دارد. این امر مانع از اقامه دعوای وکیل و زیان دیده علیه کارمند مقصر نیست.

۶- پرداخت مالیات قانونی و ایفای تعهدات مالی خود نسبت به کانون و صندوق حمایت وکلای دادگستری در موعد مقرر؛

۷- تنظیم الحاقیه قرارداد و پرداخت مالیات، سهم کانون و سهم صندوق حمایت وکلای دادگستری در مواردی که درخصوص حق الوکاله، پس از تنظیم وکالتنامه و یا اعلام وکالت توافق دیگری شود؛





۸- اجتناب از دریافت هرگونه وجه یا مال یا سند رسمی یا غیر رسمی از موکل علاوه بر میزان مورد توافق به عنوان حق الوکاله و چنانچه توافق در بین نباشد، افزون بر تعرفه حق الوکاله و هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های سفر و دیگر هزینه‌های متعارف مربوط به رسیدگی تحت هر اسم و عنوان، از قبیل وجه التزام و تضمین و مانند آن؛

۹- داشتن دفتر ثبت و بایگانی منظم و تشکیل پرونده به صورت فیزیکی یا الکترونیکی برای هر موکل، به نحوی که حاوی کلیه اقدامات انجام شده برای موکل باشد و نیز نگهداری سوابق دعاوی تا ۱۰ سال پس از مختومه شدن پرونده وکالتی؛

۱۰- خودداری از در اختیار غیر گذاشتن اوراق وکالتنامه سفید امضای خود؛

۱۱- خودداری از اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل و انتقال قرارداد وکالت بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد؛

۱۲- اجتناب از وکالت در ایام تعلیق، ممنوعیت و محدودیت از وکالت در مراجع قضایی و مراجع اختصاصی غیر قضایی یا وکالت بدون تمدید اعتبار پروانه؛

۱۳- اجتناب از درج شروط مخالف اخلاق حسنه و یا شروط غیر متعارف در قرارداد وکالت؛

۱۴- رعایت مصلحت موکل در موارد استناد به اختیار صلح و سازش مندرج در وکالتنامه؛

۱۵- انجام کلیه مکاتبات مربوط به وظایف وکالتی با استفاده از سربرگ خود که حاوی نام، نام خانوادگی، نشانی دفتر، شماره تلفن، پست الکترونیکی، شماره پروانه و نام کانون متبوع باشد و خودداری از درج عناوین و سوابق شغلی غیر از وکالت در این قبیل مکاتبات؛

تبصره- درج عنوان مدارج تحصیلی برای دارندگان آن مشروط به ارائه مدرک به کانون، مجاز است. رعایت حکم مقرر در این بند در مورد معرفی وکیل به هر نحوی الزامی است.





۱۶- خودداری از معرفی درجه، میزان تحصیلات و تخصص خود، بالاتر و متفاوت از آنچه که دارد، به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا وسائل دیگر و همچنین خودداری از استفاده از عناوین غیر واقعی؛

۱۷- پذیرش وکالت‌های معاضدتی و تسخیری تا چهار پرونده در سال و نیز انجام اموری که بر اساس قوانین و مقررات از طرف کانون به وی محول می‌شود و جدیت و دقت در انجام این اقدامات و اطلاع رسانی اقدامات خود به کانون و واحد ارجاع دهنده؛

تبصره- وکیل معاضدتی و تسخیری از پرداخت مالیات و حقوق صنفی معاف است. در صورت دریافت حق‌الوکاله، معافیت موضوع این تبصره اعمال نمی‌شود.

۱۸- شرکت در برنامه‌های آموزشی و علمی که به منظور ارتقای علمی و عملی وکلا از سوی کانون به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود؛

۱۹- حضور در مرجع قضایی در مواردی که حسب قانون حضور وکیل در مرجع قضایی الزامی است یا اعلام عذر موجه و یا ارسال لایحه در سایر موارد به نحوی که رسیدگی مرجع قضایی به تأخیر نیفتد؛

۲۰- رعایت ماده ۲۸ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ با اصلاحات بعدی در موارد دعوت همزمان وی به چند مرجع قضایی و عدم امکان حضور در تمام مراجع مذکور؛

۲۱- خودداری از اعلام و بیان عذر خلاف واقع، در صورت عدم حضور در مراجع قضایی و مراجع انتظامی کانون در مواعد مقرر؛

۲۲- قبول و رویت کلیه اوراق فرستاده شده از کانون اعم از نامه، اخطاریه، تصویر کیفرخواست و رأی که به وسیله مامور پست یا کانون یا از طریق سامانه ارسال می‌شود، به محض رویت و ارائه رسید در قبال دریافت اوراق مذکور از مامور پست یا کانون؛





۲۳- پاسخ به شکایت ها و اعلامات انتظامی در مواعد تعیین شده، در دادسرا و دادگاه انتظامی از طریق تقدیم لایحه و نیز حضور در دادسرا و دادگاه انتظامی در مواردی که ضرورت حضور به وکیل اعلام می‌شود؛

۲۴- خودداری از تصدیق اسنادی که اصول آنها را رؤیت نکرده است؛

۲۵- استفاده به موقع از اختیارات قانونی خود که مورد توکیل واقع شده، مانند اعتراض به نظریه کارشناسی، واخواهی یا تجدید نظرخواهی، مگر اینکه با توجه به ادله ابرازی، اعتقادی به اقدام در موارد مذکور نداشته باشد، در این صورت باید به موکل یا نماینده امور او اطلاع داده و موافقت کتبی دریافت کند.

۲۶- تحویل فوری پروانه وکالت، دفترچه و کارت شناسایی خود به کانون در صورت تعلیق؛ مدارک مذکور تا پایان مدت تعلیق، در کانون نگهداری خواهد شد؛

۲۷- تمدید پروانه وکالت قبل از انقضای اعتبار آن؛ تمدید اعتبار در پروانه وکیل و سامانه اطلاع‌رسانی کانون درج و ملاک تشخیص اعتبار برای کلیه مراجع است. هر وکیلی که پروانه خود را در مهلت مقرر تمدید نکند، حق استفاده از عنوان وکیل و انجام امور وکالتی را ندارد.

۲۸- خودداری از تحصیل وکالت به وسیله فریبنده یا ترغیب موکل به انعقاد قرارداد با وعده‌های غیر واقعی از قبیل تضمین نتیجه دادرسی یا ادعای داشتن نفوذ یا تضمین حصول نتیجه در مدت معین؛

۲۹- اجتناب از پذیرش حق الوکاله به میزان درصدی از عین مدعی به یا عین محکوم به (غیر از وجه رایج)؛

۳۰- به کارگیری تلاش خود در حدود مقررات، برای اطلاع از محتوای پرونده و انجام اقدامات متناسب و به موقع در دفاع از موکل، به نحوی که فرصت ها و امکان دفاع از موکل تضییع نشود؛





۳۱- خودداری از قبول وکالت مستقیم یا غیر مستقیم در صورتی که وکیل و قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده، هم‌زمان با رسیدگی، رابطه استاد و دانشجویی داشته باشند؛

۳۲- اطلاع رسانی فوری به موکل یا نماینده وی به هر طریق مقتضی، پس از ابلاغ رأی یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه‌ای از طرف موکل است؛

۳۳- رازداری و عدم افشای اسرار موکل خود نزد دیگران؛

۳۴- خودداری از ارائه هرگونه مشاوره حقوقی یا هرگونه همکاری با طرف دعوای موکل در موضوع پرونده؛

۳۵- خودداری از تبلیغ سوء علیه سایر وکلا، قضات و مراجع دولتی و قضایی و نیز اجتناب از هرگونه تبلیغ یا اظهار نظر علیه مبانی نظام جمهوری اسلامی و یا ارتکاب رفتار خلاف شرع یا قانون در فضای حقیقی و یا مجازی؛

۳۶- اجتناب از رفتار مخل نظم دادگاه و سایر مراجع قضایی و دولتی و رعایت شأن مقامات قضایی و اداری و نیز رعایت نظم و انضباط در هنگام حضور و تردد در مراجع قضایی؛

۳۷- اجتناب از ارائه اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع به قاضی، کارشناس یا اشخاصی که به نحوی در رسیدگی قضایی به دعوا یا شکایت مداخله دارند، با علم به خلاف واقع بودن اسناد و مدارک یا اطلاعات مذکور؛

۳۸- استرداد اموال و سپرده‌های وصولی به نام موکل، پس از انتفای وکالت و تسویه حساب در مهلت متعارف؛

۳۹- عدم ارتکاب اعمال و رفتاری که خلاف شئون وکالت یا اشتغال به شغلی که مخالف شئون و حیثیت وکالت است؛





۴۰- خودداری از انجام اقدامات عمدی که به منظور اطلاع داری انجام می شود، از قبیل طرح ایرادات دادرسی، رد غیر موجه دادرسی یا داور یا کارشناس و یا استعفای از وکالت و قبول مجدد و یا تقدیم دادخواست و شکواییه به صورت ناقص از لحاظ هزینه های قانونی؛

۴۱ - اطلاع رسانی استعفای خود به موکل و مرجعی که پرونده در آن مطرح است، به نحوی که موجب تجدید جلسه نشود؛ هرگاه وکیلی که حق تجدید نظر یا فرجام خواهی دارد، بخواهد پس از صدور حکم علیه موکل یا در موقع ابلاغ دادنامه غیرقطعی، استعفا دهد؛ باید حداکثر ظرف پنج روز از ابلاغ رأی، مراتب را به موکل اطلاع دهد.

۴۲- خودداری از قبول وکالت نسبت به پرونده هایی که قبلاً در آنها قضاوت یا داوری کرده، مستقیماً یا با توکیل به غیر و همچنین خودداری از قبول وکالت مسقیم یا غیر مسقیم یا مشاوره یا داوری هم زمان علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا غیر دولتی که مشاور یا وکیل آنهاست؛

۴۳ - خودداری از قبول وکالت علیه موکل سابق خود و یا قائم مقام قانونی وی، در همان موضوع، بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر؛ خواه به وکالت از طرف مقابل موکل سابق خود یا اشخاص ثالث؛

۴۴ - خودداری از قبول وکالت یا مشاوره علیه اشخاص حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی که مستخدم یا به موجب قرارداد، مشاور آنها بوده، تا پنج سال از تاریخ قطع همکاری با آنها؛

۴۵ - خودداری از قبول وکالت، یا هرگونه مشاوره یا داوری نسبت به پرونده ای که علیه اشخاص حقوقی اعم از دولتی یا غیر دولتی تشکیل شده یا تشکیل می شود و وکیل مستخدم یا به موجب قرارداد، مشاور آنها بوده و اطلاعات موضوع آن پرونده را در اختیار دارد؛

۴۶ - خودداری از قبول وکالت به رغم داشتن جهتی از جهات رد و یا عدم استعفا در صورت حدوث این جهات در اثناء وکالت.





ماده ۷۷- وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند، به هر شکل ممکن از هرگونه اقدام اعم از قبول وکالت برای مطالعه پرونده و یا به طور مشترک با سایر وکلا و کارآموزان و یا توکیل به غیر ممنوع هستند.

ماده ۷۸- پوشش وکلا در مراجع قضایی و دولتی و محل کار باید مناسب با شأن وکیل، منزلت وکالت و با رعایت موازین شرعی و قانونی باشد.

ماده ۷۹- مصاحبه وکلای دادگستری یا انتشار مطالب در رسانه ها توسط آنان به نحوی که متضمن افشای اسناد طبقه بندی شده یا انتشار جریان تحقیقات مقدماتی باشد و همچنین مصاحبه یا انتشار جریان دادگاه غیر علنی و نیز جریان رسیدگی و گزارش پرونده مطرح در دادگاه علنی در رسانه ها به نحوی که متضمن بیان مشخصات شاکی یا متهم و یا هویت فردی و یا موقعیت اداری و اجتماعی آنها باشد، در کلیه مراحل دادرسی تا قبل از قطعیت حکم، توسط وکلای دادگستری ممنوع است.

ماده ۸۰- وکلایی که به مشاغل دیگری همانند قضاوت، سردفتری اسناد رسمی، سردفتری دفاتر ازدواج و طلاق، تصدی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، مشاغل اداری و نظامی، انتظامی و غیر آن در کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، وابسته به دولت، و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری به طور رسمی، پیمانی، قراردادی، مشغول می شوند، باید حداکثر ظرف ده روز پس از اشتغال، پروانه وکالت خود را به کانون تودیع کنند و یا انصراف خود را از اشتغال به وکالت کتباً اعلام نمایند. در صورت تسلیم پروانه سابقه بیمه بازنشستگی این افراد برابر مقررات به محل اشتغال جدید قابل انتقال است. در صورت عدم اجرای مفاد این ماده، مراتب توسط رییس کانون جهت ابطال پروانه به مرجع انتظامی کانون ارجاع می شود. اعضای هیات علمی دانشگاه ها مؤسسات آموزش عالی از حکم این ماده مستثنی هستند.





تبصره - وکلایی که به یکی از مشاغل مذکور در این ماده اشتغال دارند، حداکثر ظرف سه ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه باید وضعیت خود را با شرایط مقرر تطبیق داده و در صورت ادامه اشتغال به مشاغل مذکور، حسب مورد پروانه خود را تودیع و یا ضمن اعلام انصراف از وکالت، پروانه خود را به کانون تسلیم نمایند. در غیر اینصورت طبق قسمت اخیر ماده فوق رفتار خواهد شد.

ماده ۸۱- تودیع پروانه برای یک دوره چهارساله و در صورت تحقق شرایط ماده قبل بلامانع است. این دوره حداکثر یک‌مرتب قابل تمدید است. وکیل قبل از تودیع پروانه باید تکلیف پرونده‌های جریانی و تعهداتی که در قبال موکل دارد، معین کند. پروانه تودیع شده، در صورت درخواست وکیل و با موافقت هیأت مدیره مسترد خواهد شد. پس از سپری شدن دوره دوم تودیع، مدت تودیع تمدید نمی‌شود و وکیل باید ظرف ده روز تقاضای استرداد پروانه یا انصراف از وکالت دادگستری را به طور صریح به کانون اعلام کند. در صورت عدم تعیین تکلیف استرداد یا انصراف از سوی وکیل بعد از پایان دوره تودیع، پروانه وکالت به حکم دادگاه انتظامی باطل می‌شود. وکلایی که قبل از ابلاغ این آیین‌نامه، پروانه خود را تودیع یا تسلیم کرده‌اند و از شمول مشاغل ماده قبل خارج هستند، مکلفند حداکثر ظرف شش ماه درخواست استرداد پروانه خود را در کانون ثبت نموده و پس از دریافت پروانه، نسبت به تمدید اعتبار اقدام نمایند. در غیر اینصورت منصرف از وکالت تلقی و صدور مجدد پروانه وکالت، منوط به پذیرش مجدد برابر مقررات است.

ماده ۸۲- وکیل مکلف است نشانی پست الکترونیکی و اقامتگاه خود را مطابق با محل اشتغال به وکالت، به طور صریح و روشن به کانون اطلاع داده و در سامانه ثنا ثبت کند به نحوی که ابلاغ از طریق سامانه یا مأمور کانون یا دادگستری یا پست انجام شود. در صورت تغییر محل باید نشانی محل جدید را ظرف ده روز کتباً به کانون اطلاع دهد.

تبصره - مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه نشانی مذکور را مطابق با محل اشتغال مندرج در پروانه وکالت، ثبت می‌نماید.





ماده ۸۳- ابلاغ کلیه اوراق ارسالی از سوی کانون برابر مقررات قانون آیین دادرسی مدنی یا ضوابط مربوط به ابلاغ الکترونیک از جمله آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی مصوب ۱۳۹۵/۵/۲۴ انجام می شود. در موارد ارسال از طریق پست، ظرف ده روز از تاریخ تسلیم به دفتر پست، ابلاغ شده محسوب می شود. چنانچه ثابت شود که اوراق به مقصد نرسیده، ابلاغ تجدید می شود. در مواردی که وکیل مخاطب از گرفتن اوراق یا رؤیت آنها امتناع کند، اوراق ابلاغ شده محسوب می شود.

تبصره- کانونها ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این آیین نامه نسبت به ایجاد سامانه ابلاغ الکترونیک و سایر سامانه های مورد نیاز جهت ابلاغ اوراق به وکلا اقدام می کنند.

ماده ۸۴- مرکز آمار و فن آوری اطلاعات قوه قضاییه سازکار الکترونیکی ثبت قرارداد مالی وکلا و پرداخت های الکترونیکی را در سامانه اختصاصی توسعه و ارتقا می دهد. سامانه باید به گونه ای باشد که میزان حق الوکاله در هر یک از مراحل اعم از مطالعه پرونده، وکالت در رسیدگی بدوی، تجدید نظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی و نحوه پرداخت آن و نیز ابطال تمبر مالیاتی در هر مرحله وجود داشته باشد و توسط مسئول ابطال تمبر و مرجع قضایی قابل ملاحظه باشد. شناسه یکتای صادر شده برای هر قرارداد توسط سامانه قرارداد الکترونیکی، مبنای شناسایی وکیل در سامانه خدمات قضایی به منظور استخراج اطلاعات مالی مندرج در قرارداد و ابطال تمبر مالیاتی خواهد بود.

ماده ۸۵- به منظور انجام وظیفه نظارتی کانون بر وکلا و انجام تکالیف قانونی آنها و تضمین استمرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه در وکلای دادگستری، اداره نظارت و بازرسی با ریاست یکی از وکلای پایه یک حائز شرایط عضویت در هیات مدیره، به انتخاب هیأت مدیره، با شرح وظایف زیر تشکیل و با ارجاع رییس کانون اقدام می کند:







۱- بررسی رفتار وکلا از حیث انجام وظایف مندرج در این آیین‌نامه و رعایت شئون منصب وکالت و استمرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه؛

۲- همکاری با کمیسیون آموزش جهت برگزاری دوره های پیشگیری از وقوع تخلفات و هر نوع اقدام دیگری که در این مورد مؤثر باشد؛

۳- تهیه گزارش درخصوص سوء رفتار وکلا در فضای حقیقی و مجازی؛

۴- انجام موارد ارجاعی از سوی دادستان یا دایاران انتظامی درخصوص تعقیب تخلفات انتظامی از جمله تمرکز غیر مجاز و عدم رعایت شأن وکالت با رعایت قوانین و مقررات؛

۵- بررسی و ارائه گزارش راجع به اشخاص و مؤسسات حقوقی که تظاهر به امر وکالت می‌نمایند به مراجع ذی صلاح؛

۶- تهیه گزارش از پرونده های محاکماتی دارای شاکی انتظامی و ارائه گزارش آن به رییس کانون.

تبصره ۱- در صورتی که رییس کانون به هر نحوی از عدم رعایت مقررات حوزه وکالت از سوی وکیل مطلع شود، مکلف است به اداره نظارت و بازرسی کانون دستور بررسی موضوع و ارائه گزارش جهت اقدام بعدی مطابق با مقررات این آیین‌نامه را بدهد.

تبصره ۲- اقدامات اداره نظارت و بازرسی کانون مانع از اقدام قانونی دادستان انتظامی جهت تعقیب همزمان موضوع نمی باشد.

تبصره ۳- در صورتی که رفتار وکیل مصداق تخلف انتظامی باشد، رییس اداره نظارت و بازرسی همزمان موضوع را به دادستان انتظامی اطلاع می دهد.

ماده ۸۶- در اجرای ماده ۱۵ لایحه استقلال، در صورتی که رییس کل دادگستری استان یا دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مرکز استان یا دادستان عمومی و انقلاب شهرستان و یا رییس حوزه



قضایی تخلفی از وکیل مشاهده کنند که قابل تعقیب باشد، مراتب را کتباً به دادسرای انتظامی اطلاع می‌دهند. دادسرای انتظامی به فوریت به موضوع رسیدگی و نتیجه را اعلام می‌کند. در صورتی که دادسرای مزبور پس از تحقیق و استماع دفاعیات مشتکی‌عنه موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد، پرونده را با صدور کیفرخواست نزد دادگاه انتظامی ارسال می‌کند و در غیر این صورت، نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مرکز استان اطلاع می‌دهد. چنانچه این مقام قضایی به نظر دادسرای انتظامی تسلیم نشود، رأساً از دادگاه انتظامی رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌کند. دادگاه انتظامی موظف است به سرعت رسیدگی و تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید.

ماده ۸۷- در اجرای بند ۹ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات، مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ چنانچه هر یک از قضات در راستای وظایف قانونی خود تخلفی از وکیل مشاهده کنند، علاوه بر انجام تکالیف قانونی خود، مراتب را حسب مورد به دادستان یا رییس حوزه قضایی یا رییس کل دادگستری استان اعلام می‌کنند.

ماده ۸۸- در اجرای ماده ۱۶ لایحه استقلال، هرگاه رییس قوه قضاییه یا هر مقامی که اختیار رییس قوه قضاییه در این ماده به وی تفویض شده است، از ارتکاب تخلف توسط وکیل به هر نحو مطلع شود، مراتب را جهت ارجاع به دادگاه انتظامی، به رییس کانون اعلام می‌کند. رییس کانون فوراً و به طور مستقیم موضوع را به دادگاه انتظامی ارجاع می‌کند.

ماده ۸۹- در اجرای ماده ۱۸ لایحه استقلال، در صورتی که رییس قوه قضاییه یا هر مقامی که اختیار رییس قوه قضاییه در این ماده به وی تفویض شده است یا رییس هیات مدیره کانون، به جهتی از جهات از جمله زوال شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه یا ارتکاب جرم یا تخلف، اشتغال وکیل را به وکالت به مصلحت نداند، از دادگاه انتظامی تعلیق وکیل را می‌خواهد. دادگاه مذکور حداکثر ظرف یک ماه به این درخواست رسیدگی می‌کند. در صورت صدور رأی بر





تعلیق، این رأی قابل اجرا است. وکیل معلق حق تجدید نظرخواهی دارد. رأی عدم تعلیق نیز از سوی مقامات مذکور، قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

ماده ۹۰- در اجرای ماده ۱۸ لایحه استقلال، در صورت درخواست شش نفر از اعضای هیأت مدیره، رئیس کانون مکلف است از دادگاه انتظامی تعلیق وکیل مورد تعقیب را درخواست کند. در صورت صدور رأی بر تعلیق یا عدم تعلیق مطابق ماده ۸۹ این آیین نامه عمل می شود.

ماده ۹۱- در اجرای ماده ۲۱ لایحه استقلال، در مواردی که رئیس قوه قضاییه یا هر مقامی که اختیار رئیس قوه قضاییه در این ماده به وی تفویض شده است، در امور مربوط به وظایف یکی از اعضای هیأت مدیره کانون، دادرسان و یا دادستان دادگاه انتظامی وکلا تخلفی مشاهده کنند یا در صورت وجود قراین و اماراتی مبنی بر زوال شرایط مقرر در مواد ۲ و ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه، مراتب را جهت رسیدگی به دادستان کل کشور اعلام می کند. دادستان کل کشور به فوریت تحقیق و در صورتی که تخلف را محرز دانست، پرونده را برای رسیدگی نزد دادگاه عالی ارسال می کند.

تبصره - دادگاه انتظامی و دادگاه عالی حسب مورد در کلیه موارد رسیدگی به تخلف یا تقاضای تعلیق موضوع مواد ۱۶، ۱۸ و ۲۱ لایحه استقلال فوری و خارج از نوبت رسیدگی می کنند.

ماده ۹۲ - در اجرای قانون نظارت بر رفتار قضات هریک از وکلا که در حوزه وظایف وکالتی خود، نقض مقررات، عدم اجرای حقوق شهروندی و نظایر آن از سوی مقامات قضایی و اداری را مشاهده کنند، می توانند حسب مورد مراتب را به رئیس حوزه قضایی و عنداللزوم به دادرسرای انتظامی قضات منعکس و درخواست رسیدگی کنند.

ماده ۹۳- هیأت مدیره کانون می تواند از طریق معرفی وکیل در مجله و پایگاه اطلاع رسانی کانون و با درج مشخصات و عکس، از جمله در موارد زیر وکیل را تشویق کند:





- ۱- اهتمام به تنظیم صورتجلسه اصلاحی و ایجاد صلح و سازش؛
- ۲- اهتمام به احقاق حق برای موکلین معاضدتی و تسخیری؛
- ۳- تألیف و یا ترجمه آثار حقوقی و تدوین مقالات معتبر علمی؛
- ۴- همکاری موثر و مفید با ارگان‌های کانون، از جمله اداره معاضدت؛
- ۵- ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان در سازمان‌های مردم نهاد و خیریه.

#### بخش هفتم: دادرسی و دادگاه انتظامی:

ماده ۹۴- دادستان انتظامی و معاونان وی در تمام کانون‌ها از میان وکلای پایه یک دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره، توسط هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

ماده ۹۵- دادرسان دادگاه انتظامی اعم از دادرسان اصلی و علی‌البدل باید شرایط عضویت در هیأت مدیره را داشته باشند و برای مدت دو سال توسط هیأت مدیره کانون انتخاب می‌شوند.

ماده ۹۶- هر دادگاه انتظامی مرکب از سه وکیل به عنوان دادرس دادگاه است. دادگاه انتظامی ممکن است دارای شعب متعدد باشد؛ در این صورت، پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رییس کانون به هر یک از شعب دادگاه ارجاع می‌شود.

ماده ۹۷- انتخاب دادستان انتظامی و معاونین و دادرسان از طرف هیأت مدیره به رای مخفی و به اکثریت دوسوم اعضاء حاضر در جلسه به عمل می‌آید. اگر در بار اول اکثریت مذکور به دست نیاید، در مرتبه دوم اکثریت نسبی ملاک است.

ماده ۹۸- از بین دادرسان اصلی، کسی که سابقه وکالت او بیشتر است، سمت ریاست دادگاه انتظامی را دارد. در صورت تساوی سابقه وکالت، مسن‌ترین دادرس اصلی، سمت ریاست را خواهد





داشت و در صورت تساوی سن و سابقه، دادرسان اصلی از بین خود، رییس دادگاه انتظامی را تعیین می‌کنند.

ماده ۹۹- موارد رد و امتناع دادستان، معاونان وی و دادرسان انتظامی، همان است که در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، برای دادرسان مقرر است. به علاوه، در موردی که متصدی تحقیقات در داسرا و یا دادرس دادگاه انتظامی، وکیل شاکی، مشتکی‌عنه یا شریک وکیل یکی از طرفین باشد یا بین وی و شاکی یا مشتکی‌عنه یا وکیل آنها رابطه استاد و دانشجویی باشد، باید از تحقیق و رسیدگی امتناع نماید.

ماده ۱۰۰- در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد، رسیدگی به دایار یا معاون دیگر ارجاع می‌شود و اگر دادستان انتظامی ممنوع از رسیدگی باشد، معاون اول مستقلاً در آن مورد وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد، یکی از نواب رییس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد.

ماده ۱۰۱- در صورت غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی، دادرس علی‌البدل در رسیدگی دخالت می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد، از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و اگر شعبه دیگر نباشد، هیأت مدیره به جای اشخاص غائب و ممنوع از بین اشخاص واجد شرایط، اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی‌البدل تعیین می‌نماید که در رسیدگی دخالت نمایند.

ماده ۱۰۲- شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار وکلا، ممکن است کتبی یا شفاهی باشد؛ شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان انتظامی فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضاء شاکی می‌رسد. دادستان انتظامی شخصاً یا به وسیله یکی از معاونان یا دایاران نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید.





ماده ۱۰۳- از هر طریق اطلاعی راجع به تخلف یا سوء اخلاق و رفتار وکیل به رییس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد، فوراً به دادسرای انتظامی ارجاع می کند و دادسرا باید به موضوع رسیدگی کرده اظهار عقیده نماید.

ماده ۱۰۴- در صورتی که دادستان انتظامی حضور مشتکی عنه را برای ادای توضیح و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار کند و مشتکی عنه بدون عذر موجه حاضر نشود، بر اساس محتویات پرونده اتخاذ تصمیم می کند. عذر موجه باید کتباً به ضمیمه دلیل آن در مهلت تعیین شده برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود.

ماده ۱۰۵- در موارد زیر قرار موقوفی تعقیب صادر می شود:

۱- فوت یا جنون مشتکی عنه؛

۲- اعتبار امر مختوم؛

۳- شمول مرور زمان؛

۴- نسخ مجازات قانونی.

ماده ۱۰۶- دادستان انتظامی پس از رسیدگی، در صورتی که عقیده بر تعقیب داشته باشد، کیفرخواست انتظامی صادر و به دادگاه انتظامی می فرستد. در غیر این صورت، قرار مقتضی صادر خواهد کرد. در صورتی که بین دادستان انتظامی و معاون او یا دادیار انتظامی که متصدی تحقیقات است، در تعقیب یا تطبیق موضوع با قانون یا آیین نامه اختلاف حاصل شود، نظر دادستان متبع است.

ماده ۱۰۷- قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب به طرفین و رییس کانون ابلاغ می شود. شاکی و رییس کانون چنانچه به قرار معترض باشند، باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به دادسرای انتظامی تسلیم کنند. در این صورت، پرونده برای رسیدگی به اعتراض به دادگاه انتظامی



فرستاده می شود. دادگاه انتظامی در صورتی که قرار را صحیح دانست، آن را تأیید می کند. در صورتی که دادگاه مذکور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد، قرار مورد اعتراض را نقض کرده و پس از رسیدگی رای مقتضی صادر می کند.

ماده ۱۰۸- پس از ارجاع کیفرخواست یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند، دادگاه انتظامی در صورت آماده بودن پرونده، وقت رسیدگی تعیین و علاوه بر دعوت طرفین، به اطلاع دادستان انتظامی نیز می رسد. تصویر کیفرخواست یا تقاضا نیز به همراه دعوت نامه وکیل مورد تعقیب، ارسال می شود.

ماده ۱۰۹- در وقت مقرر، دادگاه انتظامی پس از استماع توضیحات دادستان انتظامی یا نماینده وی، شاکی و وکیل مورد تعقیب، رسیدگی کرده و رای می دهد. عدم حضور هر یک از دعوت شدگان، مانع رسیدگی و صدور رای نیست. رای دادگاه در صورت ابلاغ وقت رسیدگی، در هر حال حضوری محسوب می شود.

تبصره - دادگاه انتظامی، برابر مقررات آیین دادرسی مدنی، مجاز به اصلاح رأی است.

ماده ۱۱۰- دادگاه انتظامی باید نسبت به موضوعاتی که ارجاع می شود رسیدگی کرده و رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف، می تواند با اصلاح عنوان تخلف، مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین کند و در مورد درخواست تعلیق باید خارج از نوبت رسیدگی کرده، رأی بدهد.

ماده ۱۱۱- در صورتی که دادگاه انتظامی، نقایصی در پرونده مشاهده کند، می تواند ضمن تعیین موارد نقص، رفع آنها را از دادرسی انتظامی بخواهد. دادرسی براساس نظر دادگاه، نقایص را رفع و بدون اظهار نظر جدید، پرونده را به دادگاه اعاده می کند.

ماده ۱۱۲- آراء دادگاه انتظامی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، از سوی اشخاص زیر قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عالی است:





۱- شاکی خصوصی نسبت به کلیه آراء؛

۲- رییس کانون و دادستان انتظامی نسبت به کلیه آراء برائت و قرار موقوفی تعقیب و احکام مجازات انتظامی درجه چهار و بالاتر؛

۳- مقامات مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ این آیین نامه نسبت به کلیه آراء صادره و نیز رد تقاضای تعلیق در اجرای مواد ۱۶ و ۱۸ لایحه استقلال؛

۴- محکوم علیه نسبت به احکام مجازات درجه چهار و بالاتر؛

ماده ۱۱۳- دادگاه عالی به درخواست تجدیدنظر رسیدگی کرده، در صورت پذیرش تجدیدنظرخواهی، حکم مقتضی صادر والا حکم تجدیدنظر خواسته را تأیید می‌کند.

ماده ۱۱۴- محکوم علیه احکام قطعی موضوع مجازات درجه چهار و بالاتر اعم از آنکه حکم اجرا شده یا نشده باشد، در موارد زیر می‌تواند درخواست اعاده دادرسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی بدهد:

۱- صدور حکم قطعی دائر بر جعلی بودن اسناد و مدارک و یا خلاف واقع بودن شهادت شهود، در مواردی اسناد مذکور یا شهادت شهود مستند صدور حکم انتظامی بوده است.

۲- نقض حکم محکومیت کیفری وکیل و برائت قطعی وی در مواردی که حکم محکومیت کیفری، مستند صدور حکم انتظامی بوده است.

تبصره - مهلت تسلیم درخواست، یک ماه پس از ابلاغ حکم قطعی قضایی، موضوع بندهای فوق است.

ماده ۱۱۵- نقض حکم محکومیت انتظامی از سوی دادگاه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی، حسب مورد قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات است.







ماده ۱۱۶- در صورت رضایت شاکی پس از صدور حکم قطعی محکومیت، دادگاه صادر کننده حکم قطعی بنا به تقاضای محکوم علیه، می تواند مجازات را یک درجه تخفیف دهد.

ماده ۱۱۷- مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی، دادستان انتظامی و معاونان وی و رؤساء و اعضای شعب و کمیسیونها راجع به انجام وظایفشان هیئت مدیره است و در صورت احراز تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده می شود که به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون عمل شود. مرجع شکایت انتظامی از هر یک از اعضای هیات مدیره، راجع به وظایف آنها دادستان کل کشور است که پس از بررسی در صورت احراز تخلف پرونده را در اجرای ماده مذکور به دادگاه عالی ارسال می کند.

ماده ۱۱۸- رسیدگی انتظامی منوط به رسیدگی کیفری نیست و بر همین اساس، صدور رای برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب در مرجع قضایی مانع از رسیدگی به جنبه انتظامی در دادرسی و دادگاه انتظامی نیست. در صورتی که تفکیک جنبه کیفری از جنبه انتظامی ممکن نباشد، رسیدگی انتظامی موکول به فراغ از جنبه کیفری در مراجع قضایی خواهد شد.

تبصره- در صورتی که دادرسی یا دادگاه انتظامی در حین رسیدگی متوجه ارتکاب جرمی از ناحیه وکیل شود، موظف است مراتب را جهت تعقیب قضیه به مرجع قضایی صالح اعلام کند.

#### بخش هشتم: تخلفات و مجازات های انتظامی:

ماده ۱۱۹- مجازات های انتظامی به ترتیب درجات زیر است :

۱- توبیخ کتبی بدون درج در پرونده؛

۲- توبیخ کتبی با درج در پرونده؛

۳- توبیخ کتبی با درج در پرونده، مجله و پایگاه اطلاع رسانی کانون؛





۴- تفزل پایه وکالت؛

۵- ممنوعیت موقت از وکالت به مدت سه ماه تا سه سال؛

۶- ابطال پروانه و محرومیت دائم از وکالت.

ماده ۱۲۰- مجازات انتظامی تخلف از مقررات و نظاماتی که کانون برای وکلای دادگستری تعیین می کند، درجه یک و دو است که از طرف رییس کانون یا به پیشنهاد دادستان انتظامی اعمال می شود. اختیار رییس کانون در اعمال مجازات های مقرر در این ماده مانع از صلاحیت دادگاه انتظامی برای تعیین مجازات های درجه ۱ و ۲ نمی باشد.

ماده ۱۲۱- هر وکیلی که مرتکب هر یک از رفتارهای زیر شود، به مجازات انتظامی درجه ۲ محکوم خواهد شد:

۱- نشانی پست الکترونیکی و اقامتگاه خود را مطابق با محل اشتغال به وکالت، به طور صریح و روشن به کانون اعلام نکند و در صورت تغییر محل نشانی محل جدید را ظرف ده روز کتباً به کانون اطلاع ندهد؛

۲- در صورتی که کلیه اوراق فرستاده شده از کانون اعم از نامه، اخطاریه، تصویر کیفرخواست و رأی را که به وسیله مامور پست یا کانون ارائه می شود یا از طریق سامانه ابلاغ می شود، به محض ارائه، قبول و رؤیت نکند یا در مورد اوراق ارسالی به وسیله مامور پست یا کانون، رسید ندهد؛

۳- عدم پاسخ به شکایت ها و اعلامات انتظامی درمواعد تعیین شده، در دادسرا و دادگاه انتظامی از طریق تقدیم لایحه و همچنین خودداری از حضور در دادسرا و دادگاه انتظامی در مواردی که ضرورت حضور به وکیل اعلام می شود؛





۴- انجام مکاتبات مربوط به وظایف خود بدون استفاده از سربرگ خود که حاوی نام، نام خانوادگی، نشانی دفتر، شماره تلفن، پست الکترونیکی، شماره پروانه و نام کانون متبوع باشد و نیز در صورت درج عناوین و سوابق شغلی غیر از وکالت در سربرگ و مکاتبات مربوط به وظایف وکالتی خود؛

۵- عدم شرکت در برنامه‌های آموزشی و علمی که به منظور ارتقای علمی و عملی وکلا از سوی کانون به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود؛

۶- نداشتن دفتر ثبت و بایگانی منظم و عدم تشکیل پرونده به صورت فیزیکی یا الکترونیکی برای هر موکل به نحوی که حاوی کلیه اقدامات انجام شده برای موکل باشد و نیز عدم نگهداری سوابق دعاوی موکلان تا ۱۰ سال پس از مختومه شدن پرونده وکالتی؛

۷- عدم تحویل فوری پروانه وکالت، دفترچه و کارت شناسایی خود به کانون در صورت تعلیق؛

۸- عدم رعایت نظم و انضباط در هنگام حضور در مراجع قضایی.

ماده ۱۲۲- هر وکیلی که مرتکب یکی از رفتارهای زیر شود، به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم می‌شود:

۱- دایر کردن دفتر وکالت در محل نامناسب یا مشارکت در اداره دفتر با افراد غیر وکیل و یا عدم نظارت بر رعایت موازین قانونی و شرعی در دفتر خود؛

۲- عدم تنظیم وکالتنامه و قرارداد مالی با موکل به نحو دقیق و کامل و با درج تاریخ و مبلغ دقیق حق الوکاله و یا عدم تسلیم نسخه ای از وکالتنامه و قرارداد مالی به موکل در قبال اخذ رسید و یا عدم ثبت قرارداد مالی در سامانه ثبت قرارداد مالی وکلا یا عدم تسلیم نسخه‌ای از وکالتنامه و قرارداد مالی به مرجع قضایی؛

۳- عدم تسلیم رسید دریافت اصول اسناد به موکل؛





۴- در صورتی که به دو یا چند مرجع قضایی دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد، تقدم حضور در مرجع قضایی کیفری را رعایت نکند و در سایر دادگاه ها، در دادگاهی که وقت آن زودتر ابلاغ شده، حاضر نشود و به دیگر دادگاه ها لایحه نفرستد و به طور کلی مفاد ماده ۲۸ قانون وکالت را در زمان دعوت همزمان در چند مرجع قضایی رعایت نکند؛

۵- عدم استفاده به موقع از اختیارات قانونی خود که مورد توکیل واقع شده، مانند اعتراض به نظریه کارشناسی، واخواهی یا تجدید نظرخواهی؛ و در مواردی که با توجه به ادله ابرازی، اعتقادی به استفاده از اختیارات خود و اقدام در موارد مذکور نداشته باشد، به موکل یا نماینده امور او اطلاع نداده و موافقت کتبی دریافت نکرده باشد.

۶- در صورتی که طبق قانون حضور در دادگاه الزامی است، بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تأخیر افتد و یا در صورت عدم انجام وظیفه وکالتی در مدت متعارف یا عدم پیگیری امور موکل بدون معاذیر قانونی و یا عدم دفاع از حقوق موکل پس از قبول وکالت و انجام تعهدات از سوی موکل، به نحوی که حق موکل یا فرصت و امکان دفاع از موکل تضییع شود؛

۷- ممانعت از استقرار صلح و سازش بین طرفین در هر یک از مراحل رسیدگی؛

۸- اخلال در نظم دادگاه و مراجع دولتی و عدم رعایت شأن مقامات قضایی و اداری؛

۹- در صورتی که اوراق وکالتنامه سفید امضای خود را در اختیار غیر قرار دهد؛

۱۰- اظهار خلاف واقع در بیان عذر، در مواردی که در مراجع قضایی و مراجع انتظامی کانون در مواعد مقرر حضور نیافته است؛

۱۱- خودداری از تمدید اعتبار پروانه بیش از شش ماه تا یک سال از تاریخ انقضا؛

۱۲- انجام یا قبول وکالت بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه و بدون تمدید آن؛





۱۳- چنانچه در هشت ماه ابتدایی کارآموزی و دوره‌های تمدیدی مربوط به آن، در امر وکالت مداخله کرده و یا در مرحله سوم کارآموزی، وکالت پرونده‌هایی را که از دخالت در آنها ممنوع است، بپذیرد؛

۱۴- در صورتی که از بیست و چهار ساعت قبل از جلسه هیأت عمومی برای انتخاب هیأت مدیره، اقدام به تبلیغ در موافقت یا مخالفت اشخاص نماید؛

۱۵- عدم پذیرش وکالت تسخیری یا معاضدتی ارجاع شده از سوی کانون یا عدم انجام مطلوب وظایف وکالتی معاضدتی یا تسخیری.

ماده ۱۲۳- هر وکیلی که مرتکب یکی از تخلفات زیر شود، به مجازات انتظامی درجه ۳ یا ۴ محکوم خواهد شد:

۱- عدم پرداخت مالیات قانونی و عدم ایفای تعهدات مالی خود نسبت به کانون و صندوق حمایت وکلای دادگستری در موعد مقرر؛

۲- عدم تنظیم الحاقیه قرارداد و عدم پرداخت مالیات، سهم کانون و سهم صندوق حمایت وکلای دادگستری در مواردی که درخصوص حق‌الوکاله پس از تنظیم وکالتنامه و یا اعلام وکالت توافق دیگری شود؛

۳- اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل و انتقال قرارداد بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد؛

۴- تصدیق مطابقت با اصل تصویر اسنادی که اصل آنها را رویت نکرده است؛

۵- عدم تسلیم رسید در مقابل وجه یا مال دریافتی از موکل یا نماینده وی و یا عدم استفاده از پایانه فروشگاهی.





ماده ۱۲۴- هر وکیلی که مرتکب هر یک از رفتارهای زیر شود، به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد:

۱- ارتکاب اعمال و رفتاری که خلاف شئون وکالت یا اشتغال به شغلی که مخالف شان و حیثیت وکالت است؛

تبصره- از جمله موارد رفتار خلاف شئون وکالت عبارت است از فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون جرم بوده و یا موجب وهن جامعه وکالت و یا مغایر عرف مسلم آن باشد به نحوی که اغلب وکلا آن را مذموم بدانند.

۲- عدم رعایت موازین شرعی و قانونی یا شوون و منزلت وکالت در پوشش و رفتار و گفتار در هنگام حضور در مراجع قضایی یا دولتی یا محل کار؛

۳- درج شروط خلاف اخلاق حسنه یا شروط نامتعارف در قرارداد خصوصی خود با موکل، یا عمل بر خلاف مصلحت موکل به استناد به اختیار صلح و سازش در مفاد وکالتنامه؛

۴- ارائه اسناد و مدارک یا اطلاعات خلاف واقع به قاضی، کارشناس یا اشخاصی که به نحوی در رسیدگی به دعوا یا شکایت مداخله دارند، با علم به خلاف واقع بودن؛

۵- خودداری از استرداد اموال و سپرده‌های وصولی به نام موکل، پس از انتفای وکالت یا خودداری از تسویه حساب در مهلت متعارف؛

۶- انجام یا قبول وکالت در ایام تعلیق، ممنوعیت و محدودیت از وکالت در مراجع قضایی و مراجع اختصاصی غیر قضایی پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه یا وکالت در درجه بالاتر از درجه پروانه خود؛

۷- خودداری از تمدید اعتبار پروانه بیش از یک سال تا هجده ماه پس از تاریخ انقضا؛

۸- در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا وسائل دیگر، درجه، میزان تحصیلات و تخصص خود را بالاتر و متفاوت از آنچه که دارد، معرفی کند یا از عناوین غیر واقعی استفاده نماید؛



۹- عدم اطلاع رسانی به موقع استعفای خود به موکل و مرجعی که پرونده در آن مطرح است، به نحوی که موجب تجدید جلسه شود یا باعث ضایع شدن حق تجدیدنظر خواهی موکل گردد یا در مواردی که بخواهد پس از صدور حکم علیه موکل یا در موقع ابلاغ دادنامه غیرقطعی، استعفا دهد؛ در زمان بیشتر از پنج روز از زمان ابلاغ رای، استعفای خود را اطلاع دهد؛

۱۰- تبلیغ سوء علیه سایر وکلا، قضات و مراجع دولتی و قضایی و یا تبلیغ یا اظهارنظر علیه مبانی نظام جمهوری اسلامی و یا ارتکاب رفتار خلاف شرع یا قانون در فضای حقیقی و یا مجازی.

ماده ۱۲۵- در صورت ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر وکیل در موارد زیر به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد:

۱- به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید، اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت، حیثیت و یا اعتبار موکل باشد؛

۲- حق الوکاله را درصدی از عین مدعی به یا عین محکوم به (غیر از وجه رایج) قرار دهد؛

۳- از مفاد سوگندی که یاد کرده، تخلف کند؛

۴- اعتبار پروانه را بیش از هجده ماه تا دو سال پس از تاریخ انقضا تمدید نکند؛

۵- بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر، وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در همان موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول کند؛

۶- با قضات و کارکنان دادگستری و سایر مراجع ذیربط، ارتباط غیر اداری به منظور تبانی یا پرداخت هرگونه مالی اعم از وجه نقدی یا غیرنقدی برقرار کرده و یا از ارتباط با آنان تحت هر عنوانی در امور وکالت استفاده کند.

۷- در صورتی که نسبت به پرونده هایی که قبلاً در آنها قضاوت یا داوری کرده، مستقیماً یا با توکیل به غیر قبول وکالت کند. همچنین، در صورتی که همزمان علیه اشخاص حقیقی یا اشخاص



حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی که مشاور یا وکیل آنهاست، قبول وکالت یا مشاوره یا داوری نماید.

۹- در صورت قطع رابطه همکاری با اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی که مستخدم یا به موجب قرارداد، مشاور آنها بوده، تا پنج سال از تاریخ قطع همکاری، وکالت یا مشاوره علیه آنها را بپذیرد. همچنین در هر زمان نسبت به پرونده‌ای که علیه آنها تشکیل می‌شود و وی اطلاعات موضوع آن پرونده را در اختیار دارد، علیه آنها قبول وکالت، مشاوره یا داوری نماید.

۱۰- در موضوع پرونده به طرف دعوای موکل خود مشاوره حقوقی دهد یا هرگونه همکاری دیگری با طرف دعوای موکل کند؛

۱۱- قبول وکالت مستقیم یا با توکیل به غیر در صورتی که وکیل و قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده، هم‌زمان با رسیدگی، رابطه استاد و دانشجویی داشته باشند؛

۱۲- قبول وکالت به رغم داشتن جهتی از جهات رد و یا عدم استعفا در صورت حدوث این جهات در اثناء وکالت؛

۱۳- تحصیل وکالت از طرق فریبنده یا اغوای موکل به انعقاد قرارداد یا پرداخت وجه با وعده تضمین نتیجه رسیدگی یا ادعای داشتن نفوذ یا تضمین حصول نتیجه در مدت معین؛

۱۴- در صورت تخلف از ماده ۷۹ این آیین نامه.

ماده ۱۲۶- در صورت ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر وکیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم و پروانه وی ابطال خواهد شد:

۱- اعتبار پروانه را به مدت بیش از دو سال پس از تاریخ انقضاء تمدید نکند؛

۲- بر خلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته و ظرف یک ماه از تاریخ اعلام کانون، ضمن اعلام انصراف، پروانه خود را تسلیم ننماید؛







۳- در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده، اما بعداً فاقد یکی از شرایط شود و حداکثر ظرف یک ماه، کانون را کتباً مطلع نکرده و ضمن اعلام انصراف، پروانه خود را تسلیم ننماید؛

۴- استعمال مسکر و موادمخدر و روانگردان و یا تجاهر به رفتار خلاف قانون یا خلاف شرع منجر به سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه؛

۵- چنانچه ثابت شود با طرف موکل خود برای تضییع حق موکل تبانی کرده یا در موضوع پرونده خیانت دیگری نسبت به موکل مرتکب شده است.

ماده ۱۲۷- در صورت تخلف هر یک از اعضای هیأت مدیره کانون از مفاد قانون کیفیت اخذ پروانه، به حکم دادگاه عالی علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیأت‌های مدیره کانون، به انفصال از وکالت دادگستری به مدت دو تا پنج سال محکوم می‌شوند. همچنین هر یک از اعضای هیأت مدیره در زمان تصدی این سمت مرتکب تخلف انتظامی شوند، مجازات آنها یک درجه تشدید می‌شود.

ماده ۱۲۸- وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند، به هر شکل ممکن از هرگونه اقدام اعم از قبول وکالت برای مطالعه پرونده و یا به طور مشترک با سایر وکلا و کارآموزان و یا توکیل به غیر ممنوع هستند تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۴ در نوبت اول و درجه ۵ در نوبت دوم و درجه ۶ در نوبت سوم است.

ماده ۱۲۹- در صورت دریافت هرگونه وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر بر میزان مورد توافق به عنوان حق الوکاله و در موردی که توافقی در بین نباشد، زائد بر تعرفه حق الوکاله و هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های سفر و دیگر هزینه‌های متعارف مربوط به رسیدگی تحت هر اسم و هر عنوان از قبیل وجه التزام و تضمین و مانند آن، مرتکب به مجازات انتظامی از درجه ۵ به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت، منشأ ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را از طریق توسل به حيله انجام دهد، مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به‌عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در





ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد، در اجرای ماده ۳۴ قانون وکالت کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب کیفری واقع خواهد شد.

ماده ۱۳۰- وکیل حق ندارد دعاوی را به صورت ساختگی یا در ظاهر به اسم دیگری و در واقع به اسم خود انتقال بگیرد؛ این قبیل دعاوی در مراجع قضایی پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۱- وکیل نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای رد قاضی، حکم و یا وکیل طرف مقابل و یا به منظور اطاله رسیدگی یا تحقیقات، به وسیله خدعه‌آمیزی متوسل شود. متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۲- وکیل باید در مذاکرات شفاهی در مراجع قضایی و لوایح کتبی، احترام و نزاکت را نسبت به قضات، مقامات اداری، دیگر وکلا و اصحاب دعوی رعایت کند. در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود. در صورتی که رفتار ارتكابی مشمول یکی از عناوین جزایی باشد، قابل تعقیب جزایی است.

ماده ۱۳۳- وکیل نمی‌تواند چند شعبه یا مؤسسه فرعی ایجاد کند. همچنین نمی‌تواند در غیر از محلی که برای آن‌جا پروانه وکالت دریافت کرده است، دفتر وکالت تأسیس نماید و نیز نمی‌تواند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز کند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۲ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم است.

ماده ۱۳۴- دادگاه نمی‌تواند تخلف وکیل را به کلی عفو کند؛ اما چنانچه موجبی برای تخفیف باشد، در موردی که مجازات دارای حداقل و حداکثر است، می‌تواند مجازات حداقل را تعیین کند و در دیگر موارد یک تا دو درجه تخفیف بدهد.

ماده ۱۳۵- جهات تخفیف مجازات انتظامی عبارتند از:





۱- فقدان سابقه محکومیت انتظامی؛

۲- سابقه فعالیت مؤثر در امر معاضدت؛

۳- رضایت شاکی یا استرداد شکایت؛

۴- همکاری مؤثر مشتکی عنه در جبران خسارت شاکی؛

۵- همکاری مؤثر مشتکی عنه با مراجع رسیدگی به تخلف انتظامی در کشف حقیقت.

ماده ۱۳۶- در صورت ارتکاب تخلفات متعدد از سوی وکیل یک مجازات انتظامی تعیین می شود. چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می شود که شدیدتر است و چنانچه دارای مجازات یکسان باشند، تنها یک مجازات معین و مرتکب به حداکثر مجازات قانونی آن تخلف محکوم می شود. در هر صورت، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را یک درجه تشدید کند.

ماده ۱۳۷- هرگاه وکیلی به مجازات انتظامی محکوم شود و ظرف سه سال از قطعیت حکم، مرتکب تخلف دیگری شود، به یک درجه بالاتر از مجازات مقرر محکوم می شود.

ماده ۱۳۸- درخواست انصراف از وکالت، ازکارافتادگی، بازنشستگی و ابطال پروانه، مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست و تا تعیین تکلیف پرونده انتظامی و حسب مورد اجرای حکم، تقاضای بازنشستگی قابل پذیرش نخواهد بود.

ماده ۱۳۹- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی وکلا دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است. در صورتی که وکیل تعقیب شده باشد، مدت مرور زمان دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.

ماده ۱۴۰- در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جرائم درجه یک الی شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، کیفرخواست یا حکم محکومیت غیر قطعی صادر شود، دادستان عمومی



و انقلاب یا رییس حوزه قضایی یا دادگاه رسیدگی کننده، باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف رییس کانون به دادگاه انتظامی ارجاع شود. دادگاه انتظامی در صورتی که دلایل را قوی بداند و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد، حکم تعلیق موقت او را تا صدور حکم قطعی در پرونده کیفری یا انتظامی صادر می کند. در کلیه مواردی که تفکیک جنبه انتظامی از جنبه کیفری ممکن باشد، پرونده برای رسیدگی به تخلف انتظامی وکیل، نزد دادستان انتظامی ارسال می شود و طبق مقررات به تخلف انتظامی رسیدگی می شود.

ماده ۱۴۱- قضات دادگاه، داسرا و اجرای احکام یا دیگر مقامات قضایی که از وجود سابقه محکومیت کیفری وکلای دادگستری یا کارآموزان وکالت و یا از محکومیت یا پرونده های اتهامی آنان در ارتباط با جرایمی که ارتکاب آن مخالف حیثیت و شئون وکالت است، مطلع شوند، ضمن اطلاع به دادستان یا رییس حوزه قضایی، مراتب را به طور مستند به کانون اعلام می کنند تا مطابق مقررات رسیدگی شود.

ماده ۱۴۲- در صورت ارتکاب جرائم درجه یک الی شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، در طول مدت اجرای مجازات و حسب مورد مدت مقرر در بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۲۵ قانون مذکور، پروانه وکالت وکیل تمدید نمی شود و در سایر موارد مرتکب به تشخیص دادگاه انتظامی، به مجازات انتظامی درجه سه الی پنج محکوم می شود.

ماده ۱۴۳- کارآموزان وکالت مشمول کلیه مقررات انتظامی خواهند بود.

ماده ۱۴۴- تعقیب انتظامی مانع از تعقیب کیفری یا طرح دعوای مدنی نیست.

بخش نهم: اجرای احکام انتظامی:





ماده ۱۴۵- احکام دادگاه انتظامی توسط دادرسی انتظامی و تحت نظر دادستان اجرا می‌شود. بدین منظور واحد اجرای احکام دادرسی ایجاد می‌شود. دادستان می‌تواند یکی از معاونان خود را به عنوان متصدی اجرای احکام انتخاب کند.

ماده ۱۴۶- آرای محکومیت انتظامی در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود:

۱- آرای قطعی که دادگاه انتظامی صادر می‌کند؛

۲- آرای غیرقطعی دادگاه انتظامی که در مهلت مقرر نسبت به آنها درخواست تجدیدنظر نشده باشد؛

۳- آرای دادگاه انتظامی که دادگاه عالی آنها را تأیید کرده یا آرای که دادگاه عالی پس از نقض رأی دادگاه انتظامی، صادر کرده باشد.

تبصره - حکم تعلیق بلافاصله بعد از صدور، اجرا می‌شود و اعتراض وکیل موجب توقف اجرای آن نیست.

ماده ۱۴۷- یک نسخه از کلیه دادنامه‌های محکومیت انتظامی اعم از قطعی و غیرقطعی در پرونده محکوم علیه نگهداری می‌شود.

ماده ۱۴۸- حکم محکومیت درکانونی اجرا می‌شود که صادر کننده حکم است. در صورتی که وکیل محکوم علیه عضو کانون دیگری باشد، رونوشت حکم به کانون متبوع وکیل ارسال می‌شود. رونوشت حکم محرومیت دائم یا ابطال پروانه به کلیه کانون‌ها و مرکز وکلا، مشاوران و کارشناسان قوه قضاییه ارسال می‌شود.

ماده ۱۴۹- درخواست تجدیدنظر درباره یک قسمت از حکم، مانع از اجرای سایر قسمت‌های لازم الاجرا نیست.





ماده ۱۵۰- هرگاه حکم، در خصوص چند وکیل صادر شده و بعضی از آنان در مهلت مقرر درخواست تجدیدنظر کرده باشند، پس از انقضای مهلت تجدیدنظر خواهی نسبت به افرادی که تجدیدنظر خواهی نکرده اند، لازم الاجرا است.

ماده ۱۵۱- در اجرای مجازات انتظامی درجه چهار و پنج، مدت تعلیق در موضوع همان پرونده، از مدت محرومیت کسر خواهد شد.

ماده ۱۵۲- اجرای حکم محکومیت انتظامی جز در موارد قانونی متوقف نمی شود.

ماده ۱۵۳- محکومیت به مجازات درجه ۴ و ۵ نسبت به وکلی اجرا می شود که پروانه معتبر داشته باشد. در صورتی که محکوم علیه پروانه خود را تمدید اعتبار نکرده باشد، محکومیت های مذکور پس از تمدید اعتبار پروانه، اجرا می شود.

ماده ۱۵۴- چنانچه وکیل به موجب حکم قطعی به مجازات انتظامی محکوم شود، پس از گذشت مواعد زیر اعاده حیثیت می شود و کلیه آثار محکومیت وی زایل می گردد:

۱- محکومیت انتظامی درجه ۱ و ۲، دو سال از تاریخ صدور حکم قطعی؛

۲- محکومیت انتظامی ۳ و ۴، چهار سال از تاریخ صدور حکم قطعی؛

۳- محکومیت انتظامی درجه ۵، شش سال از تاریخ صدور حکم قطعی.

تبصره- مدت های مذکور نسبت به عضویت در هیأت مدیره، دادگاه و دادرسی انتظامی، کمیسیون های کارآموزی و ترفیعات، به ترتیب چهار سال و پنج سال و هفت سال از تاریخ صدور حکم قطعی است.

ماده ۱۵۵- وکلا و کارآموزانی که موقتاً به کانون دیگری منتقل می شوند، چنانچه در مدت انتقال مرتکب تخلفی شوند، از سوی کانون محل انتقال موقت مورد تعقیب قرار می گیرند و رونوشت رأی



به کانون متبوع آنها ارسال می شود و اتمام مدت انتقال تأثیری در صلاحیت کانون محل انتقال ندارد. در صورت امتناع کانون مذکور، کانون متبوع موظف به رسیدگی است.

#### بخش دهم: سایر مقررات:

ماده ۱۵۶- به منظور شفافیت عملکرد کانون‌ها و وکلا و سهولت دستیابی مردم به خدمات وکالتی و فراهم نمودن موجبات ارزیابی عملکرد وکلا، ظرف مدت یک سال از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه، سامانه خدمات الکترونیکی وکالت (سخت‌افزار) توسط کانون‌ها ایجاد و کلیه فرایندهای اداری و تبادل اطلاعات از جمله امور مربوط به ثبت نام، کارآموزی، صدور و تمدید پروانه، مکاتبات با مقامات قضایی و اداری، اخذ و ثبت شکایات انتظامی و غیره، در این سامانه تعریف و به صورت الکترونیکی انجام می شود.

ماده ۱۵۷- منابع مالی کانون به شرح زیر است:

۱- حق عضویت وکلا و کارآموزان؛

۲- سهم قانونی کانون از حق‌الوکاله وکلا و کارآموزان و حق‌المشاوره وکلا؛

۳- سهم قانونی کانون از حق‌الزحمه وکالت‌های تسخیری و معاضدتی؛

۴- کمک‌ها و هدایای اشخاص و درآمدهای ناشی از وصایا و موقوفات؛

۵- وجوه حاصل از چاپ و فروش کتب و نشریات و نیز ارائه خدمات علمی، فرهنگی و آموزشی به اعضاء؛

ماده ۱۵۸- در کلیه مواردی که مطابق قوانین یا مقررات این آیین‌نامه، برای تصدی هر یک از

سمت‌های مربوط به ارکان کانون و نهادهای وابسته به آن و یا سمت‌های مربوط به مجامع،

کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و هیأت‌های مربوط یا وابسته به کانون، داشتن شرایط قانونی عضویت در

هیأت مدیره کانون مقرر شده باشد، افرادی که به موجب تصمیم دادگاه عالی جهت عضویت در



هیأت مدیره کانون رد صلاحیت شده باشند، تا پایان آن دوره از تصدی سمت‌های مذکور ممنوع هستند. تصدی هر یک از سمت‌های مذکور در این ماده توسط افراد رد صلاحیت شده بعد از دوره مزبور، منوط به تأیید صلاحیت آنان در دادگاه عالی است.

ماده ۱۵۹- در موارد زیر پروانه وکالت تمدید نمی‌شود:

۱- ابطال پروانه؛

۲- بازنشستگی؛

۳- از کارافتادگی بیش از هفتاد درصد؛

۴- انصراف از وکالت؛

۵- رای مرجع قضایی مبنی بر ممنوعیت دایم از وکالت؛

۶- رای مرجع قضایی مبنی بر ممنوعیت موقت در طول مدت ممنوعیت.

ماده ۱۶۰- در صورت فوت یا حجر وکیل یا کارآموز، مطابق ماده ۵۶ قانون وکالت عمل می‌شود.

ماده ۱۶۱- دستورالعمل‌های این آیین‌نامه از قبیل دستورالعمل‌های مربوط به مواد ۱۷، ۵۴، ۱۲۰، ۱۵۶ و ۱۵۸ و نیز دستورالعمل نقل و انتقال وکلا و کارآموزان، ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه توسط کانون‌ها تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره- در صورت عدم تهیه دستورالعمل‌های مذکور از سوی کانون‌ها در مهلت مقرر، معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه، دستورالعمل‌های موضوع این ماده را به منظور تصویب توسط رییس قوه قضاییه، تدوین می‌کند.

ماده ۱۶۲- کانون‌های متکفل امور استان‌های فاقد کانون و دادگستری‌های کل استان‌های مذکور مکلفند بلافاصله پس از ابلاغ این آیین‌نامه با لحاظ نصاب مقرر در ماده ۱ لایحه استقلال و رعایت





تبصره ۲ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه، ضمن هماهنگی، اقدامات اجرایی لازم را به منظور تشکیل کانون مستقل در استان‌های فاقد کانون انجام و در اسرع وقت نسبت به برگزاری انتخابات با رعایت موازین قانونی اقدام نمایند.

ماده ۱۶۳- در اجرای مواد ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱ و ۲۶ لایحه استقلال، معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه مأمور هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای این آیین‌نامه است.

ماده ۱۶۴- این آیین‌نامه در اجرای ماده ۲۲ لایحه استقلال کانون وکلا در تاریخ ۲/۴/۱۴۰۰ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجراست. نظامنامه وکالت مصوب ۱۳۱۶ در موارد مغایر و نیز آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۴ و آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۸۸ از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه ملغی می‌شود.

سید ابراهیم رئیسی

